

کارآمدی اقدامات متقابل به‌عنوان ضمانت اجرای حقوق بشر

محسن عبدالهی *

پریسا روشن‌فکر **

زهرا دبیری ***

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۷/۱۵

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۶/۲۰

چکیده

ضعف نظام اجرایی حقوق بین‌الملل و فقدان ضمانت‌های اجرایی گسترده و مؤثر برای تعهدات حقوق بشری، اهمیت اقدامات متقابل را دوچندان می‌کند. باوجود این، تبعات زیان‌بار استفاده از این ابزار و خطرات احتمالی به‌کارگیری آن، پرسش جدی نسبت به کارآمدی و مطلوبیت استفاده از اقدامات متقابل در فراروی دولت‌ها و حقوق‌دانان بین‌المللی قرار می‌دهد. بررسی وضعیت دولت‌هایی که تاکنون به دلیل نقض حقوق بشر در معرض اقدامات متقابل قرار گرفته‌اند، همچنین دقت در نظریات حقوق‌دانان بین‌المللی، نشان‌گر آن است که این اقدامات در عین ضرورت و اهمیتی که برای حقوق بین‌الملل دارند، پیامدهای زیان‌باری بر مردمان این سرزمین‌ها تحمیل کرده و در نتیجه، به شکل کنونی، ابزار مطلوب و چندان کارآمدی برای الزام دولت‌ها به ایفای تعهدات حقوق بشری‌شان نیستند. بدون شک، مذاکره بر سر حدود و شرایط استفاده از این اقدامات و چاره‌اندیشی به‌منظور رفع نقاط ضعف آن‌ها، گام بزرگی در راستای تضمین رعایت تعهدات حقوق بشری دولت‌ها در نظام بین‌المللی کنونی خواهد بود.

واژگان کلیدی

کارآمدی، اقدامات متقابل، اقدامات متقابل جمعی، خودیاری، تعهدات حقوق بشری، مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها، جامعه بین‌المللی

abdollahi75@hotmail.com

parisa.roshanfekr@gmail.com

sahar_dabiri60@yahoo.com

* نویسنده مسئول، دانشیار دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی

** دانشجوی دکتری حقوق بین‌الملل دانشگاه تهران، پردیس قم

*** کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد بندرعباس

مقدمه

امروزه برخلاف گذشته، حقوق بشر، مسئله حقوق داخلی دولت‌ها محسوب نمی‌شود و تمامی اعضای جامعه بین‌المللی بر سر رعایت و حفاظت از آن، حساسیت ویژه‌ای نشان می‌دهند. از زمان تصویب اعلامیه حقوق بشر در ۱۹۴۸، گام‌های بزرگی به سوی حقوق جهانی بشر برداشته شده است. تصویب تعداد زیادی کنوانسیون حقوق بشری و پیوستن خیل عظیمی از دولت‌ها به این کنوانسیون‌ها، همگی نشان‌گر چنین حرکتی است. با وجود این، نظام اجرایی این حقوق، با مشکل مواجه است.

بررسی سازوکارهای معاهداتی و غیرمعاهداتی که برای تضمین اجرای حقوق بشر در نظر گرفته شده است نشان‌گر محدودیت‌های گسترده چنین امکاناتی است. کمیته‌های ناظر بر معاهدات حقوق بشری، تنها محدود به معاهده خاص بوده و بدیهی است که تنها زمانی امکان نظارت بر اجرای تعهدات مندرج در معاهده را دارند که دولت به عضویت آن‌ها درآمده باشد. از طرفی، علاوه بر سیستم رایج نظارتی در این کمیته‌ها، یعنی گزارش‌دهی، که در مقاطع زمانی مشخص و به صورت دوره‌ای از دولت‌ها دریافت می‌شود، آنچه می‌تواند اطمینان‌خاطری برای اتباع و ساکنین سرزمین‌های عضو، فراهم سازد، امکان ارائه شکایت به این کمیته‌هاست.^۱ با وجود این، امکان رسیدگی به شکایات فردی که در تعدادی از این کمیته‌ها پیش‌بینی شده، غالباً منوط به پذیرش پروتکل‌های الحاقی به معاهده یا رضایت صریح دولت است.^۲ این شرط در مواردی، از جمله در مورد کمیته حقوق بشر که ناظر بر رعایت میثاق حقوق مدنی سیاسی است، به شکایات دولت‌ها علیه یکدیگر نیز تسری می‌یابد.^۳ بنابراین، بیم آن می‌رود که کمیته‌های ناظر بر رعایت معاهدات حقوق بشری، به دلیل محدودیت قلمرو و صلاحیت، قابلیت اتکای قوی به‌منظور تضمین رعایت تعهدات را نداشته باشند.

سازوکارهای غیرمعاهداتی نیز برای تضمین رعایت حقوق بشر و برخورد با متخلفان، محدودیت‌هایی دارند. توصیه‌ای بودن و عدم امکان برخورد مؤثر، یکی از مشکلات بسیاری از این سازوکارهاست. شورای امنیت نیز که شاید قوی‌ترین سازوکار غیرمعاهده‌ای در این زمینه باشد، به دلیل دشواری حصول توافق میان اعضای اصلی برای برخورد با دولت‌های ناقص، در مواردی قادر به انجام تکالیف خود نیست.^۴ همچنین، منشور ملل متحد، وظیفه اصلی شورای امنیت را پاسداری از صلح و امنیت بین‌المللی دانسته است. به علاوه، برقراری ارتباط میان نقض‌های حقوق

۱. روناک م. اسمیت؛ کتاب *درسی قواعد حقوق بین‌المللی بشر*، ترجمه: فاطمه کیهانلو، انتشارات دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ۱۳۸۸، صص ۸۵-۸۶.

۲. Karl Zemanek, "New Trends in the Enforcement of *erga omnes* Obligations", *Max Planck Yearbook of United Nations Law*, No. 4, 2000, p. 13.

۳. اسمیت؛ پیشین، ص ۶۵.

۴. Gareth Evans, "From Humanitarian Intervention to the Responsibility to Protect", *Wisconsin International Law Journal*, No. 24 (3), 2006, pp.706-707.

بشری در داخل قلمرو یک سرزمین، با مسئله صلح و امنیت، همیشه کار آسانی نیست.^۵ البته باید توجه داشت که تحولات حقوق بین‌الملل، و فاصله‌گرفتن از دوجانبه‌گرایی محض، امکانات جدیدی در اختیار حقوق بشر و امکان اجرا و نظارت بر آن قرار داده است. تعهدات عام‌الشمول که در رأی دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه *بارسلونا تراکشن*^۶ مطرح شد، به استقرار این ایده کمک کرد که برخی تعهدات، هرچند که در ظاهر در قبال هیچ دولت خاصی نیست، در واقع در قبال جامعه بین‌المللی در کل وجود دارد. بنابراین جامعه بین‌المللی، ذی‌نفع رعایت آن است. از این رو، جستجو برای ابزارهایی در حقوق بین‌الملل عام، به‌منظور جبران خلأ ناشی از ضمانت‌اجراهای معاهداتی یا سازوکارهای رسیدگی قضایی درمورد تعهدات حقوق بشری، لازم به نظر می‌رسد.

اقدامات متقابل از مهم‌ترین ابزارهایی است که حقوق بین‌الملل عام برای حمایت از نقض‌های حقوق بشری در اختیار دولت‌ها قرار می‌دهد. فارغ از اختلاف‌نظرهایی که بر سر امکان توسل به این اقدامات وجود دارد، پرسش اصلی این است که آیا اساساً اقدامات متقابل، ابزار مناسب و کارآمدی برای حمایت از حقوق بشر هست؟

برای پاسخ به این سؤال، لازم است که تمامی زوایای چنین ابزاری بررسی شود. تعمق در مسئله نشان می‌دهد که در قیاس با سایر ابزارهای موجود، *اقدامات متقابل*، مزایای چشمگیری دارد. مهم‌ترین ویژگی این اقدامات این است که در آن از محدودیت‌های متعدد سایر شیوه‌ها خبری نیست. *اقدامات متقابل*، محدود به واکنش درمقابل تعداد مشخصی از نقض‌های شدید و فاحش یا تعهدات مندرج در معاهده‌ای خاص نیست. از طرفی عضویت اختیاری در معاهده یا سازمان مشخص، پیش‌شرط فعال‌شدن این اقدامات نبوده و این ابزار به شکل برابر در اختیار تمامی دولت‌ها قرار دارد. باوجود این، امکان بالقوه بسیار بالایی برای سوءاستفاده از اقدامات متقابل وجود دارد. این امکان درمورد تعهدات غیرمعاهداتی بالاتر می‌رود. از طرف دیگر، تحریم‌های اقتصادی به‌عنوان رایج‌ترین شکل اقدام متقابل در مواجهه با نقض‌های حقوق بشری، نتایج سنگین و فاجعه‌باری را در دولت‌های هدف به بار آورده است که در سنجش کارآمدی باید لحاظ شود.

با توجه به آنچه گفته شد، در این نوشتار، تلاش شده است که کارآمدی اقدامات متقابل در الزام دولت‌ها به ایفای تعهدات حقوق بشری اتباعشان، با توجه به محدودیت‌های ذاتی این اقدامات و خطرات بالقوه‌ای که در استفاده از آن‌ها نهفته و همچنین با نگاهی به بازتاب کاربرد چنین اقداماتی در رویه دولت‌ها ارزیابی شود.

اما پیش از ورود به بحث، لازم به ذکر است که اقدامات متقابل جمعی در مقام ضمانت

۵. تاموشات، کریستین؛ حقوق بشر، ترجمه: حسین شریفی طرازکوهی، میزان، ۱۳۸۶، ص ۱۹۶.

۶. *Barcelona Traction Light and Power Company, Limited, Second Phase (Judgment) [1970] ICJ Report*, 3, p.32

اجرای حقوق بشر، نافی لزوم رعایت ممنوعیت‌های مصرح ماده ۵۰ طرح مسئولیت نیست. در اقدامات متقابل جمعی، تعهد اولیه که موجب توسل به اقدام متقابل شده، تعهدی عام‌الشمول یا قاعده‌ای آمره است. باوجود این، در اقدام متقابل اتخاذشده، لزوم رعایت ماده ۵۰ کماکان باقی است. حتی می‌توان گفت که با توجه به هدف و فلسفه وجودی چنین اقداماتی، لزوم رعایت ماده ۵۰، بیش از پیش احساس می‌شود.

برای بررسی کارآمدی اقدامات متقابل به‌مثابه ضمانت اجرای حقوق بشر، نخست لازم است مختصری در خصوص مبنای قانونی اتخاذ این اقدامات در حقوق بین‌الملل عرفی سخن گفت. از آنجایی که در جریان مذاکرات کمیسیون حقوق بین‌الملل درباره تصویب ماده ۵۴ طرح مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها مفصلاً در خصوص امکان توسل به اقدامات متقابل در مقابل ناقضین تعهدات عام‌الشمول و قواعد آمره سخن گفته شد، در این مبحث، ابتدا به بررسی رابطه حقوق بشر با تعهدات عام‌الشمول و قواعد آمره پرداخته می‌شود و سپس جایگاه اقدامات متقابل را به‌عنوان ضمانت اجرای چنین قواعدی در حقوق بین‌الملل عرفی بررسی خواهد شد.

۱. جایگاه تعهدات حقوق بشری در حقوق بین‌الملل

۱-۱. رابطه حقوق بشر با قواعد امری

در نظام‌های حقوقی داخلی، قاعده کلی این است که منافع عمومی، آزادی فردی در قراردادهای محدود می‌کند. بنابراین توافقات شخصی و خصوصی نباید از نظم عمومی جامعه تخطی کند. جامعه بین‌المللی بر سر اینکه آیا همین قواعد در نظام حقوقی بین‌المللی نیز قابل اعمال است و علاوه بر بطلان موافقت‌نامه‌های متعارض، پیامدی برای تخلف از آن‌ها وجود دارد یا خیر، اختلاف نظر دارد.^۷ باوجود این، به نظر می‌رسد که به‌صورت فزاینده، نیاز به محدودکردن آزادی عمل دولت‌ها پذیرفته می‌شود. امروزه دکترین برای بیان نگرانی‌های عمده‌ای که می‌تواند بخشی از نظم عمومی بین‌المللی باشد، به منافع مشترک بشریت یا دغدغه‌های مشترک بشریت استناد می‌کند.^۸ قواعد امری، به‌عنوان قواعدی که منعکس‌کننده ارزش‌های مشترک بشریت بوده و برای همه اعضای جامعه بین‌المللی غیرقابل تخطی است، در ماده ۵۳ کنوانسیون ۱۹۶۹ وین درمورد حقوق معاهدات بیان شده است.^۹

7. Harris, Patricia Roberts, Shelton. Dinah, "Are There Differentiations among Human Rights?: *jus cogens*, *Core Human Rights*, *Obligations erga omnes* and *Non-Derogability*", *Report provided by The International Association of Constitutional Law (IACL) for UNIDEM Seminar on "The Status of International Treaties on Human Rights"*, 2005, p. 3.

8. *Ibid*, pp.3-4.

۹. «... قاعده آمره حقوق بین‌الملل عام از نظر این معاهده، قاعده‌ای است که جامعه بین‌المللی دولت‌ها، در کل خود، آن را در حد قاعده‌ای که هیچ‌گونه تخطی از حدود آن مجاز نیست و نمی‌تواند جز با قاعده جدید حقوق بین‌الملل عام، با همان خصوصیات تغییر

در موضوع مورد بحث، آنچه قواعد امری را حائز اهمیت می‌سازد، رابطه این قواعد با تعهدات حقوق بشری و تأثیر احراز چنین رابطه‌ای بر جواز توسل به اقدامات متقابل به هنگام نقض این تعهدات است. بنابراین در ابتدا به این مسئله پرداخته می‌شود که آیا می‌توان حقوق بشر و تعهدات ناشی از آن را قاعده‌ای امری دانست یا خیر.

از نخستین دلایلی که برای رابطه حقوق بشر و قواعد امری بیان شده است، ریشه مشترک این دو در حقوق طبیعی است.^{۱۰} در نوشته‌های گروسیوس، واتل و ولف، تمایز میان قوانین اختیاری و قوانین امری قابل مشاهده است.^{۱۱} قواعد امری، بازتاب ارزش‌های جامعه بین‌المللی است که در روابط بین‌المللی اهمیت خاصی پیدا کرده است. قواعد امری سستی شامل منع برده‌داری، دزدی دریایی و نسل‌کشی بود که پس از جنگ جهانی دوم، جرایم علیه بشریت، قتل، شکنجه و استفاده از زور برای تجاوز نیز به این لیست اضافه شد.^{۱۲} تمامی این قواعد، فی‌نفسه یا غیرمستقیم با حقوق بشر در ارتباط است. قاضی تاناکا در نظر مخالف خود در قضیه آفریقای جنوبی بیان می‌کند: اگر بتوان در قلمرو بین‌المللی، دسته‌ای از قواعد حقوقی را به نام قواعد امری، یعنی قوانینی امری که با *jus dispositivum*^{۱۳} در تعارض باشد مطرح کرد، قطعاً قوانین مربوط به حمایت از حقوق بشر در این دسته قرار می‌گیرد.^{۱۴} در واقع، درست است که تعهدات حقوق بشری تعهداتی است که دولت‌ها موافقت می‌کنند تا در قلمرو خود، آن را رعایت کنند و نشانگر برابری حاکمیت دولت‌هاست، اما اجرای حقوق بشر می‌تواند به قواعد امری ارتقا یابد و مرزهای حاکمیتی دولت‌ها را بیماید.^{۱۵}

امروزه معیارهای جدیدی برای شناسایی قواعد امری معرفی شده است. این معیارها شامل عمومیت، انتشار، امکان‌پذیری، شفافیت، دوام، ثبات، برابری اخلاقی، دقت، امنیت برابر و حاکمیت قانون است.^{۱۶} با توجه به این معیارها، می‌توان بر این باور بود که بیشتر قواعد مندرج در

یابد، پذیرفته و مورد شناسایی قرار داده است». هدایت‌الله فلسفی؛ حقوق بین‌الملل معاهدات، چاپ دوم، نشر نو، ۱۳۸۳، ص ۴۴۳.

10. Zenovic. Predrag, "Human Rights Enforcement via Preemptory Norms: A Challenge to State Sovereignty", *RGSJ Research Papers*, No. 5, 2012, p. 24.

Harris Patricia Roberts, Shelton. Dinah, *op. cit.*, p. 5.

11. این نویسندگان، موافقت‌نامه‌های مبتنی بر رضایت میان دولت‌ها را از اصول ضروری حقوق بین‌الملل که بدون توجه به رضایت و از نقطه‌نظر وجدان، دولت‌ها را ملزم می‌کنند تفکیک کرده‌اند:

E.J. Criddle, E. Fox-Decent, "A Fiduciary Theory of *jus cogens*", *Yale Journal of International Law*, vol. 34, 2009, pp. 331, 332, 339.

12. D. Adams, "The Prohibition of Widespread Rape as a *jus cogens*", *San Diego International Law Journal*, vol. 6, 2005, p. 357, cited in: Zenovic. Predra, *op. cit.*, p. 26.

13. منظور، قواعدی است که از طریق توافق بین دولت‌ها قابل نقض باشد.

14. The South West Africa (*Ethiopia v. South Africa; Liberia v. South Africa*) (Judgment) (Judge Tanaka's Dissenting Opinion), *ICJ Report* 1966, p. 298.

15. *Prosecutor v. Furundzija (Judgment)* [1998], case no.IT-95-17/1-T, para. 153.

16. E.J. Criddle, E. Fox-Decent, *op. cit.*, p. 367.

معاهدات چندجانبه حقوق بشری، شرایط لازم برای امری بودن را دارند.^{۱۷} در فضای کنونی جامعه بین‌المللی، حتی اگر دولت‌ها به کنوانسیون‌های حقوق بشری نپیوسته باشند و در عمل نیز ناقض آن باشند، صراحتاً اعتراضی به حقوق بشر و لزوم رعایت آن نمی‌کنند.^{۱۸}

مارتین، فهرستی از قواعد حقوق بشری ارائه می‌کند که تبدیل به قواعد آمره شده‌اند.^{۱۹} در رویه قضایی بین‌المللی نیز^{۲۰} هرچند محدود، مواردی وجود دارد که دیوان‌های بین‌المللی و منطقه‌ای^{۲۱} بر امری بودن دسته‌ای از قواعد حقوق بشری تأکید کرده‌اند.^{۲۲} همچنین شناسایی برخی قواعد حقوق بشری به‌عنوان قاعده امری در رویه دادگاه‌های داخلی قابل مشاهده است. قضیه پینوشه، دیکتاتور سابق شیلی^{۲۳} و قضایایی که در دادگاه‌های ایتالیا و یونان در خصوص جرایم آلمان‌ها در خلال جنگ جهانی مطرح شد^{۲۴} از این جمله است.

نهایتاً جامع‌ترین فهرستی که اشاره شده است، در نظریه کلی شماره ۲۹ کمیته حقوق بشر در مورد موقعیت اضطراری مشاهده می‌شود که در اوت ۲۰۰۱ صادر شده است.^{۲۵} به نظر کمیته، فهرست حقوق غیرقابل نقض مندرج در بند ۲ ماده ۴ میثاق حقوق مدنی سیاسی،^{۲۶} به قواعد

17. Zenovic Predrag, *op.cit.*, 32.

18. Harris, Patricia Roberts, Shelton, Dinah, *op. cit.*, p. 5.

19. بررسی مارتین بر اساس بندهایی از معاهدات حقوق بشری صورت گرفته است که برخی از حقوق را حتی در زمان جنگ و موارد اضطراری، غیرقابل تخطی دانسته‌اند. این لیست شامل حق حیات، حق بر رفتار انسانی، عطف‌به‌ماسبق‌نشدن قوانین، ممنوعیت تبعیض بر مبنای جنس، رنگ، نژاد، زبان، مذهب یا خاستگاه اجتماعی، ممنوعیت حبس به دلیل بدهی مدنی، حق داشتن شخصیت حقوقی (قانونی)، آزادی عقیده و حق تعیین سرنوشت و همچنین ممنوعیت نسل‌کشی، ممنوعیت جرایم جنگی و منع جرایم علیه بشریت است. هفت مورد اول، حقوقی است که در میثاق حقوق مدنی سیاسی بر آن تأکید شده است.

20. *Prosecutor v. Furundzija*, [1998], *op. cit.*, para 153; *Saadi v. Italy*, [2008], Application No. 37201/06, para. 138; Report of the Commission of Inquiry on Forced Labour in Myanmar (Burma), *ILO Official Bulletin*, LXXXI (ser B)(1998), Special Supp, para. 538.

21. Inter-American Commission on Human Rights, "Victims of the Tugboat '13 de Marzo' v Cuba", Annual Report, 81st Sess, Report No 47/96, in: Harris, Patricia Roberts, Shelton, Dinah *op. cit.*, p. 7.

22. Judicial Conditions and Rights of the Undocumented Migrants (*Advisory Opinion*) [2003], *Inter-American Court of Human Rights*, p.14.

23. *R v. Bow Street Metropolitan Stipendiary Magistrate and Others*, ex parte Pinochet Ugarte [1999] 2 All ER 97 (HL) 179. In: Patricia Roberts, Shelton, Dinah *op. cit.*, p. 8.

24. *Prefecture of Voiotia v. Federal Republic of Germany*, Case No 11/2000 (Areios Pagos, Supreme Court of Greece, 4 May 2000) and *Ferrini v. Federal Republic of Germany*, Corte di Cassazione (Sezioni Unite (Judgment no. 5044 of 6 November 2003, registered 11 March 2004, (2004) 87 *Revisa diritto internazionale* 53.

The Italian case is discussed in Pasquale De Sena & De Vittor, 'State Immunity and Human Rights: The Italian Supreme Court Decision on the Ferrina Case, (2005) 16 *EJIL* p. 89.

25. Human Rights Committee, General Comment 29, States of Emergency (article 4)(2001), U.N. Doc. CCPR/C/21/Rev.1/Add.11.

26. این بند در واقع به حقوق مندرج در مواد ۶، ۷، بندهای ۱ و ۲ ماده ۸ و نیز مواد ۱۱، ۱۵، ۱۶ و ۱۸ اشاره می‌کند؛ یعنی حق حیات، منع شکنجه و رفتارهای خشونت‌بار و غیرانسانی، منع برده‌داری، منع بازداشت خودسرانه، اصل قانونی‌بودن جرم و مجازات، حق شناسایی در برابر قانون و حق بر آزادی فکر، عقیده و مذهب.

امری حقوق بشری اشاره می‌کند اما تأکید می‌کند که فهرست، حصری نیست. مواد کمیسیون حقوق بین‌الملل در مورد مسئولیت بین‌المللی نیز با تمایز میان دولت زیان‌دیده مستقیم و دولت ثالث، از دوجانبه‌گرایی حقوق بین‌الملل فاصله گرفته است.^{۲۷} دولت ثالث به دولتی گفته می‌شود که مستقیماً از فعل متخلفانه بین‌المللی زیان ندیده است اما به دلیل اهمیت حقوق نقض‌شده در تبعیت از قاعده، ذی‌نفع است.^{۲۸} قواعد آمره و تعهداتی که در قبال جامعه بین‌المللی در کل وجود دارد، مهم‌ترین قواعد و تعهداتی است که نقض آن، اثراتی بر دولت ثالث می‌گذارد. این نقض‌ها غالباً مشتمل بر تخلفات حقوق بشری است.

طرح ۲۰۰۱ در ماده ۴۱ به پیامدهای نقض قاعده آمره توسط دولت‌ها می‌پردازد. به نظر می‌رسد که این ماده از نظریه مشورتی دیوان در قضیه نامیبیا (۱۹۷۱) الهام گرفته است که دولت‌ها را موظف به عدم شناسایی و عدم همکاری با حضور غیرقانونی آفریقایی جنوبی در نامیبیا می‌دانست.^{۲۹} ماده ۴۱ به تعهد مثبت سایر دولت‌ها (همکاری با یکدیگر) و تعهد منفی آن‌ها (عدم مساعدت و کمک و عدم شناسایی) در قبال دولت مسئول اشاره می‌کند.

در رویه دولت‌ها، هم می‌توان مواردی از نقض این ماده را مشاهده کرد و هم نمونه‌هایی از عمل به آن را. در مواردی، دولت‌های ثالث، با برقراری رابطه تجاری، به ناقضین کمک کرده‌اند تا در مسند قدرت بمانند. برای مثال، چین در معرض اتهام کمک مالی به دولت سودان و سایر دولت‌های آفریقایی ناقض حقوق بشر است. علاوه بر این، کمک‌های ایالات متحده به پرو، شیلی، آرژانتین، گواتمالا، هندوراس، نیکاراگوئه و السالوادور در حالی بود که این دولت‌ها در معرض اتهام نقض‌های جدی بودند.^{۳۰} از طرف دیگر، ممنوعیت اتحادیه اروپا برای خرید میوه از شهرک‌های اسرائیلی و قطعنامه‌های شورای امنیت و مجمع عمومی در مورد عدم مساعدت به تداوم این وضعیت، از جمله اقدامات مثبت دولت‌ها در عمل به این بند است.^{۳۱}

۲-۱. رابطه حقوق بشر با تعهدات عام‌الشمول

علاوه بر قواعد امری، مفاهیم دیگری نیز مطرح می‌شود که نشان از جایگاه رفیع و ارزش اساسی این حقوق دارد. تعهدات عام‌الشمول (*اِرگاً منس*) از این دست مفاهیم است. همان‌طور که گفته شد، دیوان بین‌المللی دادگستری برای نخستین بار، تعهدات عام‌الشمول را در قضیه *بارسلونا*

27. Bird, Annie, "Third State Responsibility for Human Rights Violations", *EJIL*, vol. 21, No. 4, 2010, p. 884.

28. Barcelona Traction Light and Power Company, Limited, Second Phase (*Judgment*) *ICJ Report* 1970, p.32.

29. Gattini, Andrea, "A Return Ticket to Communitarism Please", *EJIL*, vol. 13, No. 3, 2002, p. 1186.

30. Bird, Annie, *op. cit.*, p. 889.

31. *Ibid.*

ترکشن^{۳۲} شناسایی کرد. برعکس، تعهداتی که نسبت به دولت زیان‌دیده خاص وجود دارد، تعهدات عام‌الشمول در قبال جامعه بین‌المللی در کل است. بنابراین همه دولت‌ها بدون نیاز به اثبات زیان فیزیکی، در قبال آن تعهد، منفعت حقوقی دارند. به استناد رأی مزبور، تعهداتی که در قبال حقوق اساسی بشر وجود دارد از ابتدایی‌ترین مثال‌های تعهدات عام‌الشمول است. اگرچه نمی‌توان به صورت قطعی این تعهدات را در سلسله‌مراتب قواعد جای داد، می‌توان گفت که این تعهدات، به منظور حمایت از منافع جامعه بین‌المللی، چه در هنگامی که دولتی زیان‌دیده و چه زمانی که هیچ دولتی زیان‌نیده - مثل تضمین حقوق بشر - به وجود آمده است. دیوان در رأی *بارسلونا ترکشن* بیان کرد که این تعهدات به دلیل اهمیت حقوقی که حمایت می‌کند به وجود آمده است. این گفته می‌تواند به معنای جایگاهی برتر برای این تعهدات باشد. دست آخر، ماده ۴۸ طرح مسئولیت ۲۰۰۱ را می‌توان تلاش کمیسیون حقوق بین‌الملل، به منظور اثربخشیدن به اظهارنظر دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه *بارسلونا ترکشن* دانست.

تداخل و هم‌پوشانی بسیاری میان قواعد آمره و تعهداتی که در قبال جامعه بین‌المللی در کل وجود دارد دیده می‌شود.^{۳۳} مثال‌هایی که دیوان برای تعهدات عام‌الشمول ارائه کرده است از قواعد امری برمی‌آید^{۳۴} و مثال‌هایی که کمیسیون برای قاعده امری بیان کرده است، همان‌هایی است که در مباحثات تدوین کنوانسیون حقوق معاهدات به‌عنوان *عام‌الشمول* مطرح شد.^{۳۵} بالاین‌حال، این دو مفهوم در موضوعاتی که بر آن تأکید دارند با هم متفاوت‌اند و به دلیل همین تفاوت، کمیسیون حقوق بین‌الملل در مواد جداگانه‌ای به این دو پرداخته است. در هر صورت، چه تعهدات حقوق بشری، قاعده امری دانسته شود و چه در دسته تعهدات عام‌الشمول قرار داده شود، آنچه اهمیت دارد، چگونگی الزام دولت‌ها به ایفای این تعهدات، و به عبارت دیگر، بخشیدن ضمانت اجرای مؤثر به آن‌هاست.

۲. اقدامات متقابل جمعی، چالشی پیش روی حقوق بین‌الملل

۲-۱. ماده ۵۴ طرح مسئولیت و گریز از تدوین حقوق عرفی

درحالی‌که دولت‌ها و حقوق‌دانان، عموماً بر سر حق دولت زیان‌دیده برای اتخاذ اقدامات متقابل موافق‌اند، چنین توافقی در مورد حق اتخاذ این اقدامات در پاسخ به نقض تعهدات عام‌الشمول و قواعد آمره وجود ندارد. در پیش‌نویس مقدماتی ماده ۵۴ در سال ۲۰۰۰، اتخاذ اقدامات متقابل در برابر نقض

32. *ICJ Reports* 1971, p. 32.

33. *ILC Yearbook*, 2001, vol. 2, part II, p. 111.

34. *ICJ Reports* 1971, p. 32.

35. *ILC Yearbook*, 2001, vol. 2, part II, p. 112.

قواعد آمره و تعهدات عام‌الشمول، مجاز شمرده شده بود.^{۳۶} این ماده، اختلاف‌نظرهای بسیاری را میان اعضای کمیسیون برانگیخت، تا جایی که تصویب کل طرح مسئولیت را به خطر انداخت.^{۳۷} در اظهارنظرهای مخالفان آمده است که گزارشگر ویژه، تنها مثال‌های محدودی از وجود چنین رویه‌ای را در میان دولت‌ها عنوان کرده که عمدتاً میان کشورهای غربی و به صورت کاملاً گزینشی اتفاق افتاده است.^{۳۸} به علاوه گفته شده که تنفیذ چنین اقداماتی، به معنای مشروعیت‌بخشی به سلطه کشورهای محدود، به بهانه تضمین رعایت حقوق بشر بوده و نظام امنیتی بین‌المللی مندرج در فصل ۷ منشور را زیر سؤال می‌برد و به خطر می‌اندازد.^{۳۹} این اختلاف‌نظرها تا جایی پیش رفت که *براونلی* اظهار داشت که حق توسل به اقدامات متقابل در برابر نقض تعهدات عام‌الشمول، نه حقوق موجود است و نه حقوق در حال شکل‌گیری، بلکه در واقع حقوق وحشت‌آفرین^{۴۰} است.^{۴۱}

دست آخر به دلیل این تعارضات، پیشنهاد شد که ماده ۵۴ حذف و با یک بند استثنا جایگزین شود.^{۴۲} در نتیجه در نسخه نهایی طرح، ماده ۵۴ به این شکل تصویب شد: «این فصل به حق دولتی که به موجب بند ۱ ماده ۴۸ محقق به استناد به مسئولیت دولت دیگر است برای مبادرت به اقدامات قانونی علیه آن دولت برای اطمینان از توقف نقض تعهد و جبران خسارت به نفع دولت زیان‌دیده یا دیگر اشخاص ذی‌نفع تعهد نقض شده، خدشه‌ای وارد نمی‌کند».^{۴۳}

اگرچه ماده ۵۴ مصوب، حق دولت‌ها برای استناد به مسئولیت را محدود به *اقدامات قانونی* و نه اقدامات متقابل می‌کند، مباحثات کمیسیون، حل این موضوع را به توسعه حقوق بین‌الملل واگذار کرده است. *آلن پله* در این راستا بیان کرده است که این ماده، در واقع شناسایی دوفاکتوی اقدامات متقابل است، بدون اینکه آن را قاعده‌مند کند.^{۴۴} *سیما* از دیگر مخالفین حذف ماده ۵۴^{۴۵}

۳۶. ماده ۵۴ پیش‌نویس به این شرح بود:

- ۱- همه دولت‌هایی که به موجب بند ۱ ماده ۴۹، به مسئولیت دولت دیگری استناد کرده‌اند می‌توانند به تقاضا و از طرف دولت آسیب‌دیده، و تا جایی که خود آن دولت دست به اقدام می‌زد، مطابق این فصل، دست به اقدامات متقابل بزنند.
- ۲- در مورد ماده ۴۱، همه دولت‌ها می‌توانند مطابق فصل حاضر و در جهت منفعتی که نقض شده، اقدام متقابل اتخاذ کنند.

37. Bruno, Simma, "Of Planets and the Universe: Self-contained Regimes in International Law", *EJIL*, vol. 17, No. 3, 2006, p. 495.

38. *ILC Yearbook*, 2001 vol. 1, 2672nd Meeting, p. 35, para. 2.

39. *Ibid.*

40. *lex horrenda*

41. *ILC Yearbook*, 2001 vol. 1, 2672nd Meeting, p. 35, para. 2.

42. *ILC Yearbook*, 2001 vol. II, para. 54, 23

۴۳. ابراهیم گل، علیرضا؛ *مسئولیت بین‌المللی دولت* (متن و شرح مواد کمیسیون حقوق بین‌الملل)، شهر دانش، ۱۳۹۱، ص

۳۱۱

44. Alain, Pellet, "The New Draft Articles of the International Law Commission on the Responsibility of States for Internationally Wrongful Acts: A Requiem for States' Crime?", *Netherlands Yearbook of International Law*, vol. 32, 2001, p. 75: in Bird, Annie, *op. cit.*, 896.

45. *ILC Yearbook*, 2001 vol. 1, 2672nd Meeting, p. 38, para. 21.

نیز معتقد بود که برای احراز عنصر معنوی اقدامات متقابل در برابر نقض تعهدات عام‌الشمول، باید به رویه دولت‌ها مراجعه، و بررسی دقیق‌تری در این خصوص انجام شود. وی در پاسخ به *براونلی* که خطر این اقدامات را در برقرار کردن نظام خودیاری می‌دانست بیان کرده که کل نظام حاکم بر اقدامات متقابل، این‌چنین است و فرقی میان اقدامات متقابل عادی و اقدامات مندرج در پیش‌نویس ماده ۵۴ نیست.^{۴۶} همچنین *سیما* معتقد بود که تجویز اقدامات متقابل غیرقهرآمیز، مانند تحریم‌های اقتصادی می‌تواند خطر توسل به زور را کاهش دهد.^{۴۷} *لوکاشوک*^{۴۸} نیز با اظهار اینکه همکاری میان دولت‌ها در مورد اقدامات متقابل در حال گسترش است و نمی‌توان آن را نادیده گرفت بر لزوم تدوین این اقدامات تأکید کرد^{۴۹} و *پامبو چیوندا*^{۵۰} حذف ماده ۵۴ را به معنای چشم‌پوشی بر نقض‌های شدید قواعد آمره دانست.^{۵۱}

خارج از مذاکرات کمیسیون نیز *تامس*^{۵۲} رویه موجود در زمینه اقدامات متقابل را بررسی و مشاهده کرده است که در بیشتر موارد (مانند لهستان در سال ۱۹۸۱، سورینامی در سال ۱۹۸۲ و بروندی در سال ۱۹۹۶) اختلاف میان اعضای میثاق حقوق مدنی سیاسی موجب شده که کمیته حقوق بشر، صلاحیت خود برای رسیدگی به شکایات را احراز نکند. بنابراین وی معتقد است که شاید بتوان گفت که دست‌کم در مواردی که سازوکارهای بین‌الدولی موجود نیست، دولت‌های ثالث، حق اتخاذ اقدام متقابل را دارند.^{۵۳}

علاوه بر آنچه گفته شد، تداوم اقدامات متقابل دولت‌های ثالث در برابر نقض‌های حقوق بشر پس از تصویب طرح ۲۰۰۱ می‌تواند نشانگر «عنصر معنوی» جواز چنین اقداماتی باشد. نهایتاً علی‌رغم مصوبه کمیسیون حقوق بین‌الملل، انجمن حقوق بین‌الملل در اجلاس *کراکو* که در سال ۲۰۰۵ برگزار شد، قطعنامه‌ای در خصوص حقوق و تعهدات عام‌الشمول در حقوق بین‌الملل صادر کرد که در بند ۳ ماده ۵ خود، موضعی مخالف با موضع کمیسیون در ماده ۵۴ طرح ۲۰۰۱ اتخاذ کرده است.^{۵۴} به‌موجب این بند، همه دولت‌های ذی‌نفع یک تعهد عام‌الشمول، به‌هنگامی که این تعهد به‌طور جدی نقض شود، تحت شرایطی، حق اتخاذ اقدامات متقابل غیرقهرآمیز را دارند. این شرایط، مشابه شرایط مقرر برای اتخاذ اقدامات متقابل توسط دولت

46. *ILC Yearbook*, 2001 vol. 1, 2672nd Meeting, p. 35, para. 4.

47. *Ibid.*

48. Lukashuk

49. *ILC Yearbook*, 2001 vol. 1, 2672nd Meeting, p. 36, para. 9.

50. Pambou- Tchivounda.

51. *ILC Yearbook*, 2001 vol. 1, 2672nd Meeting, p. 38, para. 25.

52. Tams

53. C. Tams, "Enforcing Obligations *erga omnes* in International Law", *Cambridge University Press*, 2005, at: <<http://assets.cambridge.org>>, p. 289.

54. M. Giorgio Gaja, "Obligations and Rights *erga omnes* in International Law", *Institute of International Law Yearbook*, Krakow session, vol. 71, No. II, 2005, p. 289.

زیان دیده مستقیم است.^{۵۵}

۲-۲. رویه دولت‌ها و پذیرش اقدامات متقابل جمعی

گزارشگر ویژه به منظور توجیه درج ماده ۵۴ به شکل پیشین، در گزارش خود به مواردی از رویه و عملکرد دولت‌ها اشاره کرده بود که نشانگر پذیرش اقدامات متقابل به مثابه ضمانت اجرای نقض قواعد آمره و تعهدات عام‌الشمول بوده و در واقع، نشان از شکل‌گیری یک قاعده عرفی در این زمینه داشت. قسمتی از این رویه را که مستقیماً با تعهدات حقوق بشری ارتباط دارد می‌توان در سه دسته کلی مطالعه کرد:

دسته اول به اقدامات متقابل دولت‌ها در واکنش به تبعیض نژادی^{۵۶} در داخل سرزمین کشور دیگر می‌پردازد. این اقدامات، عمدتاً در واکنش به تبعیض نژادی^{۵۷} در جمهوری آفریقای جنوبی و نامیبیا به اجرا در آمد.^{۵۸} اقدامات متقابل، نخستین بار در ژوئن ۱۹۶۰ از سوی کنفرانس دوم دولت‌های مستقل آفریقا پیشنهاد شد و به مرور، کشورهای اندونزی، مالزی، نیجریه، پاکستان، سیرالئون، اوگاندا و تانزانیا نیز علیه آفریقای جنوبی تحریم‌های تجاری وضع کردند.^{۵۹} در این زمان، سازمان ملل متحد، هیچ واکنشی نسبت به وضعیت آفریقای جنوبی نشان نداده بود. مرحله دوم اقدامات نیز در دهه ۸۰ میلادی و پیرو واکنش شورای امنیت اتفاق افتاد اما دامنه‌ای بسیار گسترده‌تر از قطعنامه‌های شورا را در بر گرفت.^{۶۰} از آنجایی که این تحریم‌ها توأم با نقض بسیاری از تعهدات کشورهای واضح آن در قبال آفریقای جنوبی بود،^{۶۱} تنها در صورتی قابل توجیه است که بپذیریم اقدام متقابل دولت ثالث در برابر نقض حقوق بشر در آفریقا بوده است.^{۶۲}

دسته دوم از اقدامات متقابل که در گزارش کمیسیون اشاره شده است اقدامات متقابل علیه

55. *Ibid*

56. Karl M. Meessen, Apartheid, in: Bernhardt (ed.), *Encyclopedia of Public International Law*, vol. 8, 1985, p. 37.

57. طبق قوانین تبعیض نژادی، ساکنین آفریقا به چهار دسته نژادی تقسیم می‌شدند که شامل بومی، سفیدپوست، رنگین‌پوست و آسیایی بود. مناطق مسکونی، نظام آموزشی، خدمات بهداشتی و پزشکی این ساکنین نیز از هم جدا شد. از سال ۱۹۷۰، هرگونه نمایندگی و فعالیت سیاسی غیرسفیدپوستان ممنوع شد و سیاهان از حقوق شهروندی محروم شدند.

58. ابراهیم گل، علیرضا: تأثیر اقدامات متقابل بر اجرای مسئولیت بین‌المللی دولت، با تأکید بر مسئولیت ناشی از منافع جمعی، رساله دکتری حقوق بین‌الملل، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۸، ص ۲۹۴.

59. پیشین.

60. Margaret P. Doxey, *Economic Sanctions and International Enforcement*, Oxford University Press, 1971, pp. 63-64.

61. ابراهیم گل: تأثیر اقدامات متقابل بر ... همان، ص ۳۰۴.

The Comprehensive Anti-Apartheid Act of 1986, Pub. L. No. 99-440, October 2, 1986, 100 Stat. 1086, 1986.

62. Buhm Suk Baek, "Economic Sanctions against Human Rights Violations", *Coronell Law School Inter-University Graduate Student Conference Papers*, 2008, p. 50.

نسل‌کشی است. عمده‌ترین این اقدامات در واکنش به نسل‌کشی در اوگاندا اتخاذ شد. نسل‌کشی در این سرزمین از زمان روی کار آمدن /یدی/ امین به صورت گسترده‌ای در حال وقوع بود. متعاقب ضعف سازمان ملل متحد در مقابله مؤثر با این وضعیت، ایالات متحده و اروپا به صورت یک‌جانبه دست به اقداماتی زدند. از جمله در اکتبر ۱۹۷۸ کارتر، رییس‌جمهور ایالات متحده، قانونی را در خصوص تحریم کامل تجاری اوگاندا امضا کرد که «وضعیت ایالات متحده را در برابر دولت‌های خارجی که در جرم نسل‌کشی مشارکت دارند»^{۶۳} روشن می‌کرد. این تحریم‌ها علاوه بر اینکه ناقض تعهدات امریکا بر اساس موافقت‌نامه گات محسوب می‌شد، بر مبنای قطعنامه‌های شورای امنیت نیز قابل توجیه نبود. با وجود این، با اعتراض سایر کشورها مواجه نشد. بنابراین چنین اقداماتی تنها با قواعد عمومی حقوق بین‌الملل و پذیرش اقدامات متقابل دولت ثالث به هنگام نقض تعهدات عام‌الشمول قابل توجیه بوده و عدم اعتراض دولت‌های دیگر، نشان از پذیرش این موضوع در جامعه جهانی دارد.

در این راستا دولت‌های اروپایی نیز تصمیم گرفتند که کمک‌های توسعه‌ای خود بر مبنای کنوانسیون اول لومه را به اوگاندا محدود کنند، در حالی که کنوانسیون، این کمک‌ها را به رعایت حقوق بشر مقید نکرده بود و هیچ حق معاهداتی برای محدود یا ممنوع کردن این کمک‌ها برای کشورهای اروپایی وجود نداشت. باین‌حال، این نقض معاهداتی اروپایی‌ها نیز واکنش منفی را در میان جهانیان برنیاگیخت.

نهایتاً دسته سوم اقدامات متقابل که بیشترین مصادیق را نیز در بر می‌گیرد در واکنش به نقض آزادی‌های سیاسی در قلمرو سرزمین کشورهای دیگر بود. در تمام این موارد، اقدامات متقابل در واکنش به نقض‌های یادشده علیه اتباع یک دولت صورت گرفته و با وجود این، جامعه بین‌المللی نه تنها اعتراضی به اقدامات یادشده نشان نداد، بلکه بعضاً از آن‌ها حمایت کرده است. از جمله این موارد، اقدامات متقابل دولت‌های جامعه اروپایی علیه شکنجه و نقض گسترده حقوق بشر در یونان بود که پس از کودتای نظامی ۱۹۶۷ اتخاذ شد.^{۶۴} دولت‌های اروپایی در واکنش به این وضعیت، بدون داشتن حق قانونی و برخلاف مفاد تعهدشان، کمک‌های مالی به یونان را که مطابق پروتکل شماره ۱۹ موافقت‌نامه ۱۹۶۳ ملزم به پرداخت آن بودند، به حالت تعلیق درآوردند. نمونه دیگری از این اقدامات در واکنش به شکنجه، کشتار و سرکوب تظاهرات در آفریقای مرکزی در دوران حکومت ژنرال بوکاسا^{۶۵} بود. متعاقب سرکوب تظاهرات دانش‌آموزان و کشتار گسترده آنان، دولت‌های اروپایی بر اساس کنوانسیون اول لومه تصمیم گرفتند کمک‌های توسعه‌ای

۶۳. ابراهیم گل، همان، ۲۹۷.

64. William Jr. Walldorf, C., "Argument, Institutional Process, and Human Rights Sanctions in Democratic Foreign Policy", *European Journal of International Relations*, vol. 16, No. 4, 2010, p. 655.

65. General Bokassa

خود را به این کشور متوقف کنند.^{۶۶} این اقدامات نیز با اعتراض سایر دولت‌ها مواجه نشد. نمونه دیگر در لیبیا در آوریل ۱۹۸۰، علیه حکومت کودتایی ساموئل کی‌دو^{۶۷} اتفاق افتاد. کی‌دو پس از به دست گرفتن قدرت، تعدادی از سران دولت پیشین را اعدام، و فعالیت احزاب سیاسی را ممنوع کرد.^{۶۸} متعاقباً جامعه اقتصادی آفریقای غربی در واکنش به این اقدامات، موقتاً عضویت لیبیا را معلق کرده و اجازه شرکت در پنجمین کنفرانس سالانه آن سازمان را به آن نداد.^{۶۹} از آنجایی که سند تأسیس سازمان، مقرراتی برای تعلیق عضویت دولت‌ها در نظر نگرفته بود، این اقدام جامعه اقتصادی آفریقا، نقض سند محسوب می‌شد. از طرف دیگر، دولت‌های اروپایی نیز کمک‌های توسعه‌ای خود را بر اساس کنوانسیون لومه معلق کردند که چنان که گفته شد، توجیه معاهداتی ندارد.

تعلیق موافقت‌نامه دوجانبه ۱۹۷۶ در مورد ماهی‌گیری در مناطق دوردست،^{۷۰} تعلیق موافقت‌نامه دوجانبه هوایی ۱۹۷۲، الغای شرط کامله‌الوداد و خودداری از پرداخت مبلغ ۷۶۵ میلیون دلار مساعدت کشاورزی به لهستان^{۷۱} توسط ایالات متحده در سال ۱۹۸۱ در واکنش به سرکوب کارگران و نقض حق تشکیل اتحادیه‌های کارگری و اعتصاب، نمونه دیگری از این اقدامات است.^{۷۲} شورای امنیت و همکاری اروپا نیز در این راستا، حکومت نظامی را نقض صریح حقوق بشر خواند و سرانجام پس از اندکی اختلاف‌نظر، در ژانویه ۱۹۸۲ تصمیم گرفت تحریم‌های اقتصادی علیه لهستان اعمال کند و حق فرود هواپیماهای خطوط هوایی آن کشور را که به موجب موافقت‌نامه‌های دوجانبه اعطا شده بود معلق کرد.^{۷۳}

اقدامات ایالات متحده علیه دولت پاناما در سال‌های ۱۹۸۸ و ۱۹۸۹ در واکنش به آنچه انکار منظم حقوق دموکراتیک مردم پاناما خوانده می‌شد نیز مثال دیگری برای اقدامات متقابل دولت ثالث در برابر نقض‌های حقوق بشری است.^{۷۴} تعلیق کمک‌های خارجی، از بین رفتن سهمیه شکر، مسدود کردن حساب‌های بانکی و مصادره عایدات دولت از کانال پاناما از جمله این اقدامات بود.

۶۶. ابراهیم گل، همان، صص ۲۹۸-۲۹۹.

67. Samuel K. Doe

68. "Liberia Is Not Ready: 2010", a report of country conditions in Liberia and reasons the United States should not end temporary protected status for Liberians, *Minnesota Advocates for Human Rights*, 2007, pp. 2-3.

۶۹. ابراهیم گل، همان، صص ۲۹۹-۳۰۰.

70. Suk Baek, Buhum, *op. cit.*, p. 49.

71. Bureau of European and Eurasian Affairs, "Background Note: Poland", U.S. Department of State, 2007, available at <<http://www.state.gov/r/pa/ei/bgn/2875.htm#foreign>>.

72. Kreutz, *op. cit.*, p. 21.

73. *Ibid.*, 22.

74. William H. Huff, *The United States 1989 Military Intervention in Panama: A Just Cause?* (A Thesis in order to fulfillment of the requirements for the degree of Master of Liberal Arts, Submitted to the Graduate Faculty of the Louisiana State University and Agricultural and Mechanical College, 2002), pp. 63-64.

اقدامات ایالات متحده علاوه بر نقض حقوق بین‌الملل عام، نقض ماده ۳ معاهده پاناما نیز بود.^{۷۵} تحریم تمامی کالاها به‌جز دارو و غذا علیه هائیتی به‌منظور کناره‌گیری دولت کودتا و پذیرش بازگشت پناهندگان به این کشور و رعایت حقوق بشر در سال ۱۹۹۱ میلادی پیش از تصویب قطعنامه‌های شورای امنیت،^{۷۶} از دیگر نمونه‌های اقدامات متقابل به‌منظور حمایت از حقوق بشر است که در واکنش به کشتار و سرکوب گسترده مردم، الغای آزادی تجمع، تجاوز و ناپدیدشدگی اجباری در این کشور صورت گرفت.^{۷۷} کشورهای اروپایی نیز در اعتراض به وضعیت حقوق بشر در هائیتی، دارایی‌ها و منابع مالی ارتش را توقیف کردند.^{۷۸} نمونه‌های مشابهی در نیجریه،^{۷۹} برون‌دی،^{۸۰} برمه (میانمار)^{۸۱} و زیمبابوه^{۸۲} اتفاق افتاد که در این موارد نیز عدم واکنش شورای امنیت و همچنین عدم اعتراض این نهاد و سایر دولت‌ها نسبت به اقدامات صورت‌گرفته، مسئله‌ای قابل توجه است.

درنهایت می‌توان به نمونه‌هایی از اقدامات کشورها در پی اتفاقات موسوم به بهار عربی اشاره کرد. آغاز این موج در کشور تونس اتفاق افتاد. در سال ۲۰۰۹ در این کشور تردیدهایی درمورد صحت و سلامت انتخابات تونس مطرح شد که اعتراضاتی در پی داشت. این اعتراضات، منجر به محدودیت شدید آزادی‌های سیاسی از جمله آزادی بیان، مطبوعات و تجمعات، حبس‌های خودسرانه، شکنجه و حبس‌های خانگی شد.^{۸۳} سرانجام، در ۱۷ دسامبر ۲۰۱۰، یک جوان تونسی در اعتراض

75. Rosenber, Scott, "Panama and Noriega: Our SOB", pp. 9-11.

76. اولین قطعنامه شورا در ۱۶ ژوئن ۱۹۹۳ صادر شد S/RES/841(1993).

77. Paul Robyn, "The United States and Haiti (1993-1994): A Case Study in Coercive Diplomacy," WWS Case Study 1/01, available at <<http://www.wws.princeton.edu/cases/papers/haiti.html>>.

78. Suk Baek, Buhum, *op. cit.*, p. 65

79. برای مطالعه بیشتر، ن.ک:

Kreutz, Joakim, "Hard Measures by a Soft Power? Sanctions Policy of the European Union 1981-2004", *Bonn International Center for Conventions*, 2005, p. 31.

ابراهیم گل، همان، صص ۳۰۰-۲۹۹.

80. برای مطالعه بیشتر، ن.ک: ابراهیم گل، همان، ص ۳۰۷.

81. برای مطالعه بیشتر، ن.ک:

Bunyanunda, Mann(Mac), "Burma, ASEAN, and Human Rights: The Decade of Constructive Engagement, 1991-2001", *Stanford Journal of East Asian Affairs*, No.2, 2002, p. 119; Kreutz, *op. cit.*, pp. 27-28; Michael F. Martin, "U.S. Sanctions on Burma", 2012, *Congressional Research Service* at: <www.crs.gov>.

82. برای مطالعه بیشتر، ن.ک:

Kreutz, *op. cit.*, pp. 38-39.

Human Rights Watch, Zimbabwe: Food Used as Political Weapon, 2003; and Amnesty International, *Press Release*, AFR 46/028/2004.

82 European Commission – List of restrictive measures, Restrictive measures in force (updated 6.3.2012) 1/83, at: <http://ec.europa.eu/geninfo/legal_notices_en.htm>.

83. Alcinda Honwana, "Youth and the Tunisian Revolution", *Social Science Research Council*, 2011, at: <<http://webarchive.ssrc.org>>.

به اینکه پلیس به او اجازه فروش سبزیجات بدون مجوز نداده بود، خود را به آتش کشید. مرگ این جوان، جرقه اعتراض گسترده‌ای نسبت به گرانی و بیکاری وسیع در تونس شد که به یک‌باره خاورمیانه و شمال آفریقا را درنوردید و موجی از اعتراض و تغییر ایجاد کرد.^{۸۴} جامعه جهانی در برابر سرکوب بی‌رحمانه اعتراضات مردم تونس سکوت نکرد. اتحادیه اروپا در سال ۲۰۱۱ دارایی‌ها و منابع مالی افراد حقیقی و حقوقی را توقیف کرد که مسئول اتفاقات رخ داده در تونس شناخته می‌شدند. این افراد، یا مالک دارایی‌ها بودند یا به‌نحوی آن‌ها را در اختیار داشته یا اداره می‌کردند. همچنین اشخاص حقیقی یا حقوقی مرتبط با این اشخاص نیز مشمول همین قاعده شدند.^{۸۵}

در پی فراگیرشدن اعتراضات، در ژانویه ۲۰۱۱، مردم لیبی در اعتراض به تأخیر در تکمیل پروژه‌های مسکن، دست به تظاهرات زدند. حکومت معمر قذافی برای حفظ قدرت خود در لیبی و سرکوب مخالفت‌ها، متوسل به اعمال خشونت‌باری شد. سرکوب گسترده تجمعات و کشتار مردم، حبس‌های خودسرانه و شکنجه، اعدام‌های وسیع بدون محاکمه عادلانه، ارباب خبرنگاران و سرکوب آزادی بیان و حملات گسترده به مردم بی‌سلاح، از جمله این اقدامات بود^{۸۶} که واکنش دولت‌های دیگر را برانگیخت. از جمله این واکنش‌ها، اعمال تحریم‌های وسیع، فراتر از حد تعیین‌شده توسط شورای امنیت سازمان ملل بود که به تدریج دایره گسترده‌تری را در بر می‌گرفت. ایالات متحده امریکا در ۲۵ فوریه و کانادا در ۲۸ فوریه ۲۰۱۱ اعلام کردند که کلیه معاملات و قراردادهای تجاری خود را با دولت لیبی تعلیق کرده‌اند.^{۸۷} دولت‌های اروپایی نیز در ۲۸ فوریه همان سال به تحریم اسلحه و تجهیزاتاتی که ممکن بود در سرکوب استفاده شود، تجسس محموله‌هایی که به لیبی حمل یا از آنجا وارد می‌شد و توقیف دارایی‌های افراد خاص، از جمله معمر قذافی، پسرش سیف‌الاسلام قذافی و عده‌ای دیگر از نزدیکانشان پرداختند. در ۲۲ فوریه، اتحادیه عرب، دولت لیبی را تا زمانی که به معترضین پاسخ مناسبی نداده است، از شرکت در جلسات اتحادیه محروم کرد.^{۸۸}

هدف اولیه این تحریم‌ها، توقف حمله به شهرها توسط دولت قذافی بود که منجر به کشته و مجروح شدن بسیاری از شهروندان می‌شد. هدف ثانویه که البته تنها مدنظر کشورها و نه شورای امنیت بود، برکناری قذافی، خانواده و همدستانش از قدرت بود.^{۸۹} در این راستا هیلاری کلینتون به نقض آزادی تجمعات و آزادی بیان اشاره و بر لزوم توقف خون‌ریزی در لیبی تأکید کرد.^{۹۰} *اوباما* نیز

84. Gary Clyde, Hufbauer; Jeffrey J. Schott; Julia, Muir; Milica. Cosic; "Case Studies in Economic Sanctions and Terrorism (Australia, Canada, EU, Japan, NATO, UN, US v. Libya)", *Peterson Institute for International Economics*, No. 1, 2011.

85. European Commission – List of restrictive measures, *op. cit.*, p. 79.

86. UN Security Council Resolution, S/RES/1973 (2011).

87. Hufbauer, Gary Clyde and Others, *op. cit.*, p. 2.

88. International Trade Alert, "International Sanctions against Libya", February 28, 2011.

89. Hufbauer, Gary Clyde and others, *op. cit.*, 13

90. *US Department of State Press Statement*, Hillary Rodham Clinton, February 21, 2011.

به حق تعیین سرنوشت مردم لیبی و لزوم خلاصی از استبداد ۴۰ ساله قذافی اشاره کرد.^{۹۱} اتحادیه اروپا بر لزوم حمایت از شرافت انسانی و حرمت حیات انسان‌ها تأکید و بیان کرد که به مردم لیبی برای استقرار دموکراسی در این کشور کمک خواهد کرد. دولت قذافی در ابتدا نه تنها خشونت را متوقف نکرد بلکه مردم را به توپ بسته و از کناره‌گیری از قدرت، خودداری کرد. وی همچنین پیشنهاد اتحادیه عرب، ناتو، سازمان ملل و اتحادیه آفریقا را برای صلح نپذیرفت.

در خصوص اقداماتی که علیه دولت‌های عربی در جریان اعتراضات موسوم به بهار عربی صورت گرفت، دولت‌ها از حد تحریم‌هایی که شورای امنیت سازمان ملل وضع کرده بود یا توصیه‌های آن سازمان فراتر رفتند و دایره فشار را تنگ‌تر کردند. بنابراین نمی‌توان گفت که این قطعنامه‌ها مجوز بسیاری از نقض‌های ارتكابی دولت‌ها در واکنش به وضعیت جاری در سرزمین هدف بود و می‌توان اقدامات آن‌ها را در زمره اقدامات متقابل دولت‌های ثالث در پاسخ به نقض‌های حقوق بشری محسوب کرد. از آنجایی که اگر هم اعتراضی به این اقدامات صورت گرفته، در قالب جدل‌های سیاسی بوده و گاه در حمایت از مواضع سیاسی دولت حاکم مطرح شده و نه نفس اقدام متقابل، می‌توان چنین برداشت کرد که جامعه بین‌المللی در کل، مخالفتی با این دست از اقدامات ندارد و آن را تأیید می‌کند.

سرانجام لازم به ذکر است که دامنه اقدامات متقابل به‌مثابه ضمانت اجرای حقوق بشر به ایران هم رسیده است. پس از انتخابات ریاست جمهوری خرداد ۱۳۸۸ (ژوئن ۲۰۰۹) در ایران، اختلاف‌نظری میان نامزدهای انتخاباتی و در خصوص صحت نتایج اعلامی پیش آمد. این اختلاف‌نظرها منجر به شکل‌گیری تجمعاتی از سوی هواداران نامزدهای معترض، در روزهای پس از انتخابات شد که توجه مجامع بین‌المللی را به خود جلب کرد. اتحادیه اروپا در گزارش سال ۲۰۰۹ خود، مدعی نقض‌های حقوق بشری در ایران، به‌ویژه نقض تعهدات دولت به‌موجب میثاق حقوق مدنی سیاسی شد.^{۹۲} دیده‌بان حقوق بشر نیز در گزارش خود در سال ۲۰۱۱ ایران را متهم به نقض‌های حقوق بشری، از جمله نقض آزادی تجمعات مسالمت‌آمیز و آزادی بیان کرد.^{۹۳} کشورهای اروپایی در سال ۲۰۱۱، اموال و دارایی‌های عده‌ای از مقامات و افراد ایرانی را توقیف کردند که ادعا می‌شد در نقض‌های حقوق بشری دخالت داشتند.^{۹۴} ایالات متحده آمریکا نیز در سپتامبر ۲۰۱۰ علیه هشت مقام عالی‌رتبه ایرانی که به اعتقاد دولت / *ویاما* متهم به نقض‌های حقوق بشری هستند، تحریم‌هایی اعمال کرد.^{۹۵} مانند موارد پیشین، این اقدامات، خارج از

91. *The New York Times*, 27 May 2011.

92. Report of European Union, "Human Rights and Democracy in the World: Report on EU Action", July 2008 to December 2009, p. 148.

93. Human Rights Watch, World Report 2011 at: <<http://www.hrw.org/world-report-2011/iran>>.

94. European Commission – List of Restrictive Measures, *op. cit.*, p. 23.

95. Human Rights Watch, *World Report 2011*, *op. cit.*

چارچوب سازمان ملل متحد و به تشخیص خود دولت‌های اقدام‌کننده، به منظور مقابله با نقض حقوق بشر در داخل مرزهای یک کشور بود. بنابراین اقدام دولت ثالث محسوب می‌شود. واکنش نسبت به تحریم‌های حقوق بشری در ایران در سایه تحریم‌های اقتصادی پیشین که در ابعاد گسترده‌تر و در اعتراض به فعالیت‌های هسته‌ای این کشور اعمال شده‌اند، گم شده و کم‌رنگ بوده است. بنابراین نمی‌توان اعتراض قابل توجهی به آن مشاهده کرد. البته واکنش‌های بسیاری به تحریم‌های اقتصادی علیه فعالیت‌های هسته‌ای ایران نشان داده شده است که مجال پرداختن به آن در اینجا نیست. با وجود این، بحث‌هایی که بر سر پیامدهای حقوق بشری این تحریم‌ها و فشار اقتصادی بر افشار ضعیف می‌شود، کماکان در این مورد نیز قابل بررسی و استناد است. مثال‌های فوق، نشانگر رویه دولت‌هاست که در برابر نقض‌های حقوق بشری در داخل مرزهای یک سرزمین سکوت نکرده و واکنش نشان می‌دهند. اگرچه ممکن است این واکنش‌ها گزینشی بوده و تا حد زیادی متأثر از منافع سیاسی و اقتصادی دولت اقدام‌کننده باشد، نمی‌توان رواج و گسترش چنین رویه‌ای را انکار کرد. در واقع، با وجود سکوت مواد مربوط به مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها در خصوص جواز اقدامات متقابل جمعی در برابر نقض قواعد آمره و تعهدات عام‌الشمول، شاید چنین رویه‌ای حاکی از عرف در حال شکل‌گیری در این خصوص باشد.

۳. تحریم‌ها، رایج‌ترین شکل توسل به اقدامات متقابل

رویه نشان می‌دهد که عمده‌ترین شکل بروز اقدامات متقابل در برابر نقض‌های حقوق بشری، در قالب تحریم اتفاق می‌افتد. این تحریم‌ها غالباً در صورت سکوت شورای امنیت، از سوی یک یا چند کشور علیه دولت متخلف وضع می‌شود. در مواردی نیز مشاهده شده که تحریم‌ها اصالتاً از قطعنامه‌ها پیروی می‌کند اما از محدوده تعیین شده توسط شورای امنیت فراتر می‌رود. تحریم‌های سازمان ملل علیه عراق، برانگیزاننده مباحثاتی جهانی در خصوص جوانب قانونی تحریم، از جمله نفس قانونی بودن آن شد. عقیده مخالفان قانونی بودن تحریم بر این بود که دولت‌ها، همچنان که خارج از محدوده فصل هفت منشور و بدون اجازه شورای امنیت، حق مداخله نظامی و توسل به زور را ندارند، امکان توسل به سایر اقدامات مندرج در این فصل از جمله تحریم را نیز ندارند.^{۹۶} مدافعان نظریه همکاری بین‌المللی معتقدند که تحولات اخیر جامعه بین‌المللی به سمت محدود کردن حاکمیت دولت‌ها پیش رفته و در این راستا تحکیم روابط اقتصادی و دادوستد دولت‌ها و کاهش موانع آن، یکی از ضروریات جامعه بین‌المللی شده است.^{۹۷}

۹۶. ممتاز، جمشید؛ «تحریم اقتصادی و حقوق بین‌الملل عمومی»، مشاهده شده در سایت:

<<http://beheshtnet.blogfa.com/post-290.aspx>>

کشورهای درحال توسعه، تحریم‌های اقتصادی خارج از منشور ملل متحد را حربه‌ای برای ممانعت از رشد و توسعه خود می‌دانند و آن را نقض حق بر توسعه تلقی می‌کنند. این دولت‌ها در این راستا به منشور ملل متحد نیز استناد می‌کنند که یکی از اهداف سازمان ملل را ایجاد ثبات در جهان، رفاه ملل و تأمین روابط مسالمت‌آمیز و حصول همکاری بین‌المللی قرار داده است.

باوجود این، کماکان به نظر نمی‌رسد که بر سر غیرقانونی بودن نفس تحریم، اجماعی میان حقوق‌دانان وجود داشته باشد. اما آنچه مسلم است، غیرقانونی بودن تحریم‌های ثانویه، تحریم‌هایی که امنیت انسانی را به خطر می‌اندازد^{۹۸} و آن دسته تحریم‌هایی است که خود ناقض برخی تعهدات دو یا چندجانبه دولت‌های تحریم‌گذار است.

در توضیح مورد آخر باید گفت که فارغ از قانونی بودن یا نبودن اصل تحریم‌ها، باید توجه داشت که برای اجرای تحریم‌های اقتصادی، دولت‌ها غالباً ناچار می‌شوند برخی معاهدات دو یا چندجانبه‌ای را که میان آن‌ها و دولت هدف وجود دارد نقض کنند. برای مثال، چنان که درمورد آفریقای جنوبی مشاهده می‌شود، عمده‌ترین شکل اعمال تحریم، با نقض موافقت‌نامه گات صورت گرفت. بنابراین، در موارد بسیاری مشاهده می‌شود که تحریم‌ها دربرگیرنده عنصری غیرقانونی است که با توجیه عمل غیرقانونی پیشین قابل چشم‌پوشی بوده و این سبب می‌شود که امکان در نظر گرفتن آن‌ها به عنوان اقدام متقابل فراهم شود.

به‌طور کلی، تحریم‌ها را می‌توان چنین تعریف کرد: روابط خارجی قهرآمیز که تعمداً روابط عرفی اقتصادی مانند معاملات یا مبادلات اقتصادی را به منظور الزام دولت هدف به تغییر سیاست یا رفتارش معلق می‌کند.^{۹۹} تحریم‌های اقتصادی عموماً شامل تحریم تجاری، محدودیت‌های مالی (در زمینه وام و نقل و انتقال) و ممنوعیت‌های حمل‌ونقل (زمین، دریا، خشکی) و محدودیت ارسال تسلیحات است.^{۱۰۰}

از آنجاکه تحریم، شکل عمده بروز اقدامات متقابل در پاسخ به نقض‌های حقوق بشری است، بررسی کارآمدی آن می‌تواند عامل مهمی در سنجش کارآمدی اقدامات متقابل در پاسخ به این نقض‌ها باشد. برای چنین سنجشی، دو مؤلفه را می‌توان مدنظر قرار داد: نخست اینکه تحریم‌ها به‌طور کلی در تغییر رفتار دولت‌ها موفق عمل کرده‌اند یا خیر و دوم اینکه در صورت پاسخ مثبت به پرسش پیشین، بهای موفق عمل کردن آن‌ها چه بوده است.

۹۸. ضیایی بیگدلی، محمدرضا؛ «ابعاد حقوقی تحریم‌ها»، مصاحبه با روزنامه اعتماد، شماره ۲۸۰۱، ۲۱/۷/۹۲، صفحه ۱۱.

99. David Cortright and George A. Lopez ed, *Economic Sanctions: Panacea or Peacebuilding in a Post-Cold War World?*, 1995, p. 15 in: Baek. Buhm Suk, "Economic Sanctions against Human Rights Violations", *Cornell Law Library Scholarship*, 2008, p. 22.

100. Von Glahn, Gerhard, *Law among Nations: an Introduction to Public International Law*, Longman, 1996, in: Baek. Buhm Suk, *op. cit.*, p. 22.

۳-۱. تحریم‌ها و میزان اثرگذاری بر رفتار دولت‌های هدف

به نظر می‌رسد که رویه در کل، نشانگر شکست تحریم‌هاست.^{۱۰۱} بحث بر سر دلایل ناکارآمد بودن تحریم‌ها خصوصاً بعد از جنگ سرد، شدت گرفت.^{۱۰۲} منظور از کارآمد بودن یا شکست تحریم‌ها این است که آیا فشار وارده، توانسته سیاست‌های کشور هدف را تغییر دهد یا خیر؟^{۱۰۳} برای مثال، پیپ^{۱۰۴} عنوان می‌کند که اگر در کشور هدف، وحدت ملی حاکم باشد، احتمال شکست تحریم‌ها بالاست. پریگ معتقد است که اجرای ضعیف، موجب شکست تحریم‌ها می‌شود. هیسکاکس نیز منافع اقتصادی خاص دولت تحریم‌کننده را مسبب شکست تحریم می‌داند.^{۱۰۵}

به‌خاطر روابط تجاری تنگاتنگ دولت‌ها در عصر حاضر، تحریم خسارات زیادی بر هر دو طرف تحریم وارد می‌کند. برخی معتقدند که ممکن است تحریم به خود دولت اقدام‌کننده به‌اندازه دولت هدف آسیب برساند^{۱۰۶} و تنها زمانی مؤثر است که دولت اقدام‌کننده، قوی‌تر باشد.^{۱۰۷} درنر معتقد است که بسیاری از تهدیدها به تحریم، پشت درهای بسته اتفاق افتاده و پیش از علنی شدن آن، توافق صورت می‌گیرد. به همین دلیل، مطالعه در مورد کارآمدی آن دشوار است. نهایتاً به عقیده وی، اطلاعات موجود نشان می‌دهد که بسیاری از تحریم‌ها در مرحله تهدید، موفقیت‌آمیز بوده و متوقف شده‌اند؛ که این خود نشانگر کارآمدی فشار اقتصادی است.^{۱۰۸}

عقیده دیگری که مطرح می‌شود این است که باید تحریم‌ها را بر مبنای هدفشان تفکیک کرد. بر این اساس، تحریم‌ها دو دسته است: دسته‌ای که برای سیاست‌های خرد، مثل اختلافات مالی یا قراردادی اعمال می‌شود و دسته‌ای که برای سیاست‌های کلان، مثل اختلافات سیاسی و

101. Nikolay, Marinov, "An Elusive Statistic: Estimating the Relationship between Sanctions and Success", *UCLA International Institute*, 2005, p. 2.

102. Drenzer, Daniel W., "The Hidden Hand of Economic Coercion", *Journal of International Organization*, vol. 57, No. 3, 2003, p. 643.

۱۰۳. گری هوفباور، جفری اسکات و کیمبرلی آن البوت، میزان موفقیت تحریم‌ها را در سال‌های ۱۹۰۰ تا ۱۹۹۰، ۳۴ درصد محاسبه کردند که این میزان از بعد از ۱۹۷۳، به ۲۴ درصد کاهش یافته است. (Hufbauer, Gary Clyde and others, *op. cit.*)
(*cit.*) رابرت پیپ این رقم را سخاوتمندانه دانست و معتقد بود که تحلیل و ارزیابی داده‌های خود این نویسندگان نشان می‌دهد که تنها ۵ درصد از تحریم‌ها موفقیت‌آمیز است.

Pape, Robert, "Why Economic Sanctions Do Not Work.", *International Security*, vol. 22, No. 2, 1997, p. In: Marinov, Nikolay, *op. cit.*, p.13.

104. *Ibid.*

105. Michael, Hiscox, "The Political Economy of Economic Sanctions." Prepared for the Annual Meeting of the American Political Science Association, Washington, D.C., September 2000, in: Drenzer, Daniel W., *op. cit.*, p. 648.

106. Nigel White and Ademola Abass, "Countermeasures and Sanctions" in: Malcolm D. Evans, *International Law*, Oxford University Press, 2006, pp. 513-515 in: Baek. Buhm Suk, *op. cit.*, p. 24.

107. *Ibid.*

108. Smith, Alistair, "The Success and Use of Economic Sanctions", *International Interactions*, vol. 21, No. 3, 1996, pp. 229-45; and Morgan, T. Clifton and Anne C. Miers, "When threats Succeed: A Formal Model of the Threat and Use of Economic Sanctions", 1999, Paper presented at the 95th annual meeting of the American political science association, Atlanta, Ga, in: Drenzer, Daniel.W, *op. cit.*, p. 647.

امنیتی به کار می‌رود.^{۱۰۹} برای اهداف خرد، گزینه حمله نظامی مطرح نبوده و تحریم‌ها مؤثرتر است چرا که مسائل کمتری در گرو است. در این موارد، دولت‌ها تنها به افزایش و کاهش ثروتشان می‌اندیشند. این درحالی است که در سیاست‌های کلان، دغدغه‌های امنیتی و سیاسی بسیاری درگیر است که امکان کارآمدی تحریم‌ها را پایین می‌آورد.^{۱۱۰}

مارینف نیز به‌طور کلی از کارآمدی تحریم‌ها دفاع می‌کند. وی معتقد است بی‌اعتمادی عمومی نسبت به تحریم‌ها و عقیده رایج نسبت به عدم کارآمدی آن‌ها ناشی از این است که در سنجش کارآمدی به‌جای مطالعه صرف کشورهای هدف تحریم باید میان کشورهای تحریم‌شده و کشورهای مشابه آن‌ها که در معرض تحریم قرار نگرفته‌اند مقایسه‌ای کرد. وی از همین زاویه، تحقیق هوفباور، اسکات و الیوت را نقد می‌کند.^{۱۱۱} باوجود این، مارینف نیز در مورد مسائل حقوق بشری قائل به استثنا می‌شود و بیان می‌کند که نمی‌توان از این طریق به کارآمدی تحریم‌ها در برابر نقض‌های حقوق بشری نیز پی برد.^{۱۱۲}

واکنش دولت هدف به تحریم‌ها نیز برای ارزیابی کارآمدی این اقدامات، حائز اهمیت است. همان‌طور که گفته شد، تحریم، زمانی موفق است که تغییری در سیاست دولت هدف ایجاد کرده و آن را متقاعد به پیروی از استانداردهای مورد درخواست دولت‌های اعمال‌کننده کند. مقاومت در برابر تحریم، همواره پاسخ رایجی از طرف دولت‌های هدف بوده است. ممکن است چنین مقاومتی دوره تحریم را طولانی کند، تغییراتی در ساختار اقتصادی کشور هدف ایجاد کند، روابط تجاری بین‌الدولی را دستخوش تغییر کند و هزینه‌هایی به‌بار آورد که بسیار فراتر از دایره تخمین‌های اولیه مورد قبول دولت‌های اعمال‌کننده باشد. از طرفی، در دورانی که امکان اتخاذ تحریم‌ها به بحث گذاشته می‌شود، دولت هدف، فرصتی پیدا می‌کند که اقدامات پیشگیرانه‌ای انجام دهد که تا حدی ضربه ناشی از تحریم‌ها را کاهش دهد.^{۱۱۳}

یکی دیگر از موارد مهمی که در رابطه با سنجش کارآمدی تحریم‌ها ذکر شده این است که این فرضیه که اقدامات جمعی، مخالفت داخلی علیه دولت هدف را بر می‌انگیزاند و منجر به تسلیم یا سقوط آن می‌شود، اثبات‌شده نیست و باید به آزمون گذاشته شود. *داکسی* بر این باور است که امکان انشعاب و پراکندگی در داخل به‌هنگام مواجهه با تهدید خارجی شدیداً ضعیف است. به نظر می‌رسد که همبستگی سیاسی و وحدت ملی در کشورهایی که در معرض تهدید خارجی هستند شدیداً افزایش می‌یابد. در واقع به‌محض شروع تحریم، تمام بخش‌های اجتماع

109. Drenzer, Daniel W., *op. cit.*, p. 650.

110. Robert, Pape, *op. cit.*, pp. 95-97 in: Drenzer, Daniel W., *op. cit.*, p. 650.

111. Nikolay, Marinov, *op. cit.*, p. 6.

112. *Ibid.*, 16.

113. Margaret P, Doxey, *op. cit.*, p. 119.

به خاطر کاهش اثرات مضر این اقدامات بر حیات اقتصادی خود، با دولت همکاری می‌کنند. این همکاری، فارغ از مشروعیت دولت و سیاست‌هایی است که منجر به تحریم شده است.^{۱۱۴}

همچنین باید در نظر داشت که تحریم‌ها منافع اقتصادی چه گروه‌هایی را بیش از همه دستخوش تغییر می‌کند. عامل افراد در این میان بسیار متغیر، پیش‌بینی‌ناپذیر و درعین‌حال، تعیین‌کننده است. واکنش افراد و گروه‌ها، فارغ از محاسبات هرچند دقیق درمورد تأثیر تحریم بر درآمدها و وضعیت اقتصادی، به راحتی قابل پیش‌بینی نیست. به علاوه، برای تلاش در جهت تغییر سیاست، لازم است که تشخیص و اهمیت سیاسی اقشار مختلف سنجیده شود. اینکه انتخاب‌کنندگان و رأی‌دهندگان، بتوانند وضعیت اقتصادی و سیاسی را تحلیل کنند و تحت تأثیر رهبرانشان نباشند در چنین تغییری مؤثر است. دولت‌هایی که تصمیم می‌گیرند با تحریم مقابله کنند بر تبلیغات شدید و جهت‌دهی افکار عمومی برای حمایت از سیاست‌هایشان تمرکز بسیاری دارند، به شکلی که گروه‌های مختلف جمعیتی، حاضر می‌شوند برای حمایت از اهداف و سیاست‌های دولت خود و مقابله با هجمه خارجی، فداکاری و سختی را تحمل کنند.^{۱۱۵} می‌توان حمایت سفیدپوستان را از حکومت آفریقای جنوبی پس از اعمال تحریم‌های شدید علیه این کشور، شاهدهی بر این ادعا دانست.^{۱۱۶}

دست آخر، مشاهده شده است که در موارد واحد، تعبیرهای متفاوتی از موفقیت یا عدم موفقیت تحریم ارائه شده است. برای مثال، *هانلون* معتقد است که تحریم‌های دهه ۸۰ علیه آفریقای جنوبی در لغو نظام تبعیض نژادی موفق عمل کرده است.^{۱۱۷} این در حالی است که *لوی* معتقد است که تحریم‌ها علیه آفریقای جنوبی در بهترین حالت، بی‌تأثیر بوده است.^{۱۱۸} وی مدعی است که تحریم‌هایی که دولت‌ها اعمال کرده‌اند - برخلاف تحریم‌های بازیگران خصوصی - تا حدی موفقیت جنبش ضد تبعیض نژادی را به تعویق انداخته و حتی باعث افزایش سرکوب دولت شده‌اند.^{۱۱۹} *لوی* در توجیه نظر خود بیان می‌کند که نظام اقتصادی آفریقای جنوبی، پیش از اعمال تحریم‌ها دچار شکاف جدی بود. به علاوه تأثیر مستقیم تحریم‌ها بسیار محدود بود، چرا که آفریقای جنوبی اقدامات متنوعی برای دورزدن این فشارها انجام می‌داد و از کمک کشورهای که در تحریم‌ها شرکت نکرده بودند بهره می‌جست.^{۱۲۰ و ۱۲۱}

114. *Ibid.*, p. 125.

115. *Ibid.*, pp. 130-131.

116. *Ibid.*, p. 136.

117. Joseph, Hanlon, "Successes and Future Prospects of Sanctions against South Africa", *Review of African Political Economy*, vol. 47, 1990, pp. 84-96. In: Marinov, Nikolay, *op. cit.*, p. 13.

118. Philip I., Levy, "Sanctions on South Africa: What Did They Do", *Economic Growth Center of Yale University*, 1999, p. 2.

119. *Ibid.*

120. *Ibid.*, p. 7.

121. Philip I. Levy, *op. cit.*, pp. 5-6.

لاونبرگ نیز مبارزات سیاسی اکثریت سیاه‌پوست، سقوط اتحاد جماهیر شوروی و ناکارآمدی نظام اقتصادی دولت تبعیض‌نژادی را عمده‌ترین دلایل سقوط این نظام می‌دانست.^{۱۲۲} برخی نیز اشاره می‌کنند که پیش از سقوط اتحاد جماهیر شوروی، دولت، از به‌قدرت‌رسیدن کنگره ملی آفریقا می‌ترسید، درحالی‌که پس از سقوط این بلوک، مذاکره با آن‌ها ممکن شد. همچنین آن‌ها تأکید می‌کنند که پس از اعمال تحریم‌ها، فشار و سرکوب، شدیداً افزایش یافت ولی زمانی که خطر کمونیسم از بین رفت، ماندا به‌سرعت آزاد شد.^{۱۲۳}

طرفداران موفقیت تحریم‌ها علیه آفریقای جنوبی اصرار دارند که گرچه تأثیر این اقدامات، کم بود، به‌مثابه تیر خلاصی عمل کرد که تحمل اوضاع را برای مردم، غیرممکن و لزوم تغییر را آشکار ساخت. آن‌ها در این راستا به سخنرانی‌های رهبران جنبش ضد تبعیض‌نژادی استناد می‌کنند.^{۱۲۴} معیار موفقیت تحریم، بستگی به توقعات دولت تحریم‌کننده دارد. این انتظارات، معمولاً روشن نیست و در طول زمان هم تغییر می‌کند. همچنین معمولاً مشکل می‌توان دریافت که تغییر رفتار کشور هدف به‌خاطر تحریم‌ها بوده است، چرا که معمولاً در کنار تحریم، اقدامات دیگری نیز صورت می‌گیرد. تهدید یا توسل به زور، از جمله این اقدامات است. در واقع اگر منظور از مؤثر بودن تحریم‌ها این باشد که هر شکلی از زدن به هدف بهتر است تا ازدست‌دادن آن، می‌توان پذیرفت که تحریم کارآمد است. در غیر این صورت، عوامل زیادی وجود دارد که باید برای سنجش مؤثر و انسانی بودن تحریم‌ها در نظر گرفته شود. همچنین باید خط روشنی بین هدف و غیرهدف کشید.

نهایتاً حتی اگر بتوان گفت که صدمه‌زدن به شهروندان در طول تحریم، کارآمدی آن را افزایش نمی‌دهد، قطعاً نمی‌توان ادعا کرد که در طول اتخاذ اقدامات مستقیم علیه دولت، شهروندان از تأثیرات مخرب آن در امان هستند.^{۱۲۵} به همین دلیل، جدا از اینکه تحریم‌ها به‌عنوان ضمانت اجرای حقوق بشر، ابزار کارآمدی است یا خیر، مسئله اثرات زیان‌باری که این اعمال بر وضعیت حقوق بشری و بشردوستانه دولت هدف می‌گذارد نیز در سال‌های اخیر بسیار بحث‌برانگیز بوده است.

۲-۳. پیامدهای حقوق بشری تحریم‌ها: عاملی برای سنجش کارآمدی

تا مدت‌ها عقیده بر این بود که تحریم، جایگزین انسان‌دوستانه‌ای برای جنگ است. ویلسون، رییس‌جمهور ایالات متحده، در سال ۱۹۱۹ بیان کرد که: «باید ملتی را که تحریم می‌شود به چشم تسلیم‌شده دید. اگر این غرامت صلح‌آمیز، اقتصادی، آرام و مرگ‌بار را اعمال کنید، دیگر

122. Anton D, Lowenberg, "Why South Africa's Apartheid Economy Failed", *Contemporary Economic Policy*, vol. XV, 1997, pp. 62-7, in: Philip I., Levy, *op. cit.*, p. 3

123. *Ibid.*, pp. 10-11.

124. Philip I, Levy, *op. cit.*, pp. 9-10.

125. Mathew, Craven, "Humanitarianism and the Quest for Smarter Sanctions", *EJIL*, vol. 13, No.1, 2002, p. 47.

نیازی به زور نیست».^{۱۲۶} باین حال در طول دهه‌های اخیر، انتقادات شدیدی به تحریم‌ها وارد شده است. تجربه تحریم‌های سازمان ملل بر عراق در سال ۱۹۹۰، نشانگر ابهام اخلاقی و حقوقی تحریم است.^{۱۲۷} به‌طور کلی به نظر می‌رسد تحریم‌ها تنها به شهروندان بی‌گناه آسیب می‌زند و سیاستمداران را در امان نگاه می‌دارد. پطروس غالی در ۱۹۹۵ تحریم‌ها را سلاحی برنده توصیف کرد و این سؤال را مطرح کرد که آیا به‌رنج‌افکندن گروه‌های آسیب‌پذیر کشور هدف، ابزاری مشروع برای فشار آوردن بر رهبران سیاسی است؟^{۱۲۸}

تحریم‌های هوشمند یا هدف‌دار، نتیجه تلاش برای کاهش و تعدیل اثرات زیان‌بار جانبی تحریم‌ها بر وضعیت شهروندان کشور هدف بوده است. هوشمند کردن تحریم‌ها به دو طریق صورت می‌گیرد: با محدود کردن دامنه تحریم یا با اضافه کردن استثنائات بشردوستانه.^{۱۲۹} در مورد اول، از آنجاکه اعتراض به تأثیرات بشردوستانه نظام تحریم‌ها عمدتاً بر «جامع» بودن آن تأکید داشته، به نظر می‌رسد که شورای امنیت، اخیراً به تحریم‌هایی گرایش پیدا کرده که افراد یا بخش‌های خاصی را هدف قرار می‌دهد.^{۱۳۰} برای مثال در مورد اتیوپی، تحریم‌ها محدود به ذخایر و تجهیزات نظامی و آموزش جنگجویان بوده است یا در مورد سیرالئون، تحریم نفت و سلاح و محدودیت سفر برای اعضای حکومت نظامی اعمال شده است. در این موارد، عمده انتقادات بر میزان تأثیرگذاری و کارآمدی این تحریم‌ها بوده و کمتر به پیامدهای بشردوستانه آن پرداخته شده است. با وجود این، به‌ویژه پس از قضایای کادی در دادگاه اتحادیه اروپا، بحث پیامدهای حقوق بشری تحریم‌های هدفمند نیز مورد توجه بسیار قرار گرفته است.^{۱۳۱}

باید توجه کرد که کارآمدی و تأثیرگذاری را باید با توجه به هدف تحریم سنجید. برای مثال اگر هدف، کاهش خشونت نظامی در دوران مخاصمه باشد، تحریم اسلحه و ذخایر نظامی می‌تواند موجه شود، در حالی که اگر هدف، تغییر اساسی در رفتار دولت باشد، تحریم محدود در بهترین حالت، ناکارآمد است و در بدترین حالت می‌تواند اثر عکس بگذارد.^{۱۳۲} به نظر می‌رسد شورای امنیت، گزینه تحریم گسترده را در شرایطی کماکان معتبر می‌داند، اما استثنائات بشردوستانه، یعنی استثنای برخی از کالاها، مواد غذایی و دارو، در گسترده‌ترین تحریم‌ها نیز لحاظ می‌شود. در مورد زیمبابوه،

126. Quoted in: V. Gowlland-Debbas (ed.), *United Nations Sanctions and International Law* (2001), p. 16; in: Boris, Kondoch, "The Limits of Economic Sanctions under International Law: The Case of Iraq", p. 1.

127. D. Jehl, "UN Official Calls for an End of Sanctions against Iraq", *International Herald Tribune (IHT)*, 1999, p. 10; in: Boris, Kondoch, *op. cit.*, p. 268.

128. Boris, Kondoch, *op. cit.*, p. 270.

129. Matthe, Craven, *op. cit.*, p. 48.

130. UN doc. S/PV. 4128, 17 April 2000, 13.

۱۳۱. برای مطالعه در این خصوص، ن.ک:

C-584/10 P - *Commission and Others v Kadi*

132. Matthew, Craven, *op. cit.*, p. 48.

تجهیزات آموزشی و مواد انتشاراتی و خیری، جزء این استثنائات بود.^{۱۳۳} لازم به ذکر است که در اعمال مؤثر این استثنائات، مشکلاتی وجود داشته است. از آنجایی که بسیاری از وسایل، قابلیت استفاده به‌منظورهای مختلف دارند، نبودن اتفاق نظر در این مورد که کدام کالاها اساسی است و مستثنا می‌شود از جمله این مشکلات بوده است. مسئله دیگر، اختلاف بر سر این موضوع است که آیا مستثنا شدن کالایی نیاز به تأیید دارد یا خودبه‌خود صورت می‌گیرد.^{۱۳۴} هماهنگ کردن دولت‌ها و حمایت مؤثر از آژانس‌های بشردوستانه سازمان ملل نیز از دیگر مشکلات در این زمینه بوده است.^{۱۳۵} البته باید توجه داشت که این مشکلات در مورد تحریم‌هایی که به‌عنوان اقدام متقابل صورت می‌گیرد به شکل متفاوتی بروز می‌کند؛ بدین معنا که در این موارد، امکان خودسری و تخطی از حدود مجاز و استثنائات ضروری بسیار زیاد می‌شود.

مسئله دیگر این است که استثنا کردن برخی از مواد ضروری اولیه از دایره تحریم‌ها به این معنا نیست که دولت توان مالی خرید این کالاها یا زیرساخت مناسب برای تأمین رفاه یا امکان توزیع مناسب آن‌ها را به شکلی که اقبال آسیب‌پذیر، توان استفاده داشته باشند، دارد.^{۱۳۶} همچنین بیان شده است که این معافیت‌ها شدیداً مبهم بوده و به شکل خودسرانه و با بی‌دقتی تعبیر می‌شود که منجر به قحطی و کمبود می‌شود. در ضمن، با اینکه به نظر می‌رسد که این تأثیرات به شکل برابری بر همه جامعه وارد می‌شود، وزن آن عمدتاً بر شانه فقراست.^{۱۳۷} برای مثال، تحریم‌ها علیه نظام تبعیض نژادی در دهه ۸۰ میلادی، بیش از هر چیز باعث ازدست‌رفتن مشاغل سیاه‌پوستان و ضربه به آن‌ها شد.^{۱۳۸} تحریم صادرات هائیتی، منجر به ازدست‌رفتن ۲۹۷۸۰ شغل در صنعت پوشاک، الکترونیک، ورزش و موتناژ شد.^{۱۳۹} زنان که ۸۰ درصد کارگران صنایع موتناژ را تشکیل می‌دادند و حداقل یک‌سوم آنان سرپرست خانوار بودند در جریان تعدیل مشاغل، بیشترین ضربه را خوردند.^{۱۴۰} در اثر افزایش قیمت سوخت و کمبود آن، محصولات کشاورزی به مرکز کشور، که حدود ۳۰ درصد جمعیت را در خود جای می‌داد، نمی‌رسید.^{۱۴۱} محدودیت در

133. UN Security Council Resolution, S/RES/253 (1968).

134. Matthew, Craven, *op. cit.*, p. 49.

135. Kourula, Prikko, "International Protection of Refugees and Sanctions: Humanizing the Blunt Instrument", *IJRL*, vol. 9, 1997, p. 255.

136. *Ibid.*

137. Note by Secretary General, "Promotion and Protection of the Rights of Children: Impact of Armed Conflict on Children", UN Doc. A/51/306, para. 128.

138. Philip I., Levy, *op. cit.*, p. 9.

139. Elizabeth, Gibbons and, Richard, Garfield, "The Impact of Economic Sanctions on Health and Human Rights in Haiti", *American Journal of Public Health*, vol. 89, No. 10, 1996, p. 1499.

140. A., Dupuy, *Haiti in the New World Order: The Limits of Democratic Revolution*, Boulder, Colo.: Westview Press, 1997, p. 28 In: Gibbons, Elizabeth and Garfield, Richard, *op. cit.*, p. 1499.

141. UNICEF, *Analyse de la Situation de la Femme et des Enfants en Haiti (Periods 1980-1993)*(Port-au-Prince, Haiti: UNICEF, 1994), 221.

حمل و نقل، قیمت تمامی محصولات وارداتی از جمله دارو را بالا برد. همچنین تعدادی از داروها شدیداً نایاب شد و واکسیناسیون کودکان، شدیداً تنزل یافت.^{۱۴۲} در اثر کاهش مصونیت کودکان، بیماری‌های مسری بسیاری رواج یافت که برخی از آن‌ها کشنده بودند. اگرچه دارو و واکسن، جزء استثنائات بشردوستانه بود، کمبود این اجناس و تأخیر در رسیدن آن که در اثر تحریم‌های بازرگانی بود، در واقع تأثیر چنین استثنائاتی را بسیار کم می‌کرد.

بسیاری، تحریم‌ها علیه هائیتی را غیرمؤثر و ناکارآمد می‌دانند. اما این اقدامات، تأثیرات زیادی بر اقتصاد کشور گذاشت که بیش از همه، کارگران، زنان و فقرا را متأثر کرد. همچنین با کاهش فرصت‌های آموزشی و امکانات بهداشتی، تحریم‌ها توان هائیتی برای مشارکت در اقتصاد جهانی و رسیدن به ثبات و در نتیجه، حرکت به سوی دموکراسی را کاهش داد. فقر فزاینده‌ای که در اثر تحریم ایجاد شده بود باعث جابه‌جایی‌های گسترده جمعیت، کاهش نظارت و مراقبت از کودکان، افزایش بار اقتصادی زنان و ازهم‌پاشیدن خانواده‌ها شد.

در واقع می‌توان گفت این تحریم‌ها که به منظور دفاع از حقوق بشر انجام گرفته بود، خود نقض شدید حقوق کودکان و حقوق اقتصادی اجتماعی مردم هائیتی بود. تحریم‌ها، مخصوصاً تحریم سوخت، بدون توجه به حق کار، آموزش، زندگی شرافتمندانه، زندگی خانوادگی یا آزادی از بهره‌کشی طراحی و اعمال شدند. تا سال‌ها پس از تحریم، درآمد سرانه ملی هائیتی به وضعیت متعادلی برگشت، بیکاری جبران نشد، دولت از کارمندان متخصص محروم بود و در اثر بی‌کفایتی سیاسی و سازوکارهای اداری نامناسب، دولت میلیون‌ها دلار کمک توسعه‌ای را هدر داد.^{۱۴۳} نتایج تحقیق ۲۰۱۰ پترسکو نیز که بر روی تأثیر تحریم بر وزن نوزادان، قد کودکان و مرگ‌ومیر آن‌ها در ۶۹ کشور هدف تحریم انجام شده است نشان می‌دهد که در مورد کودکانی که در دو سال اول تحریم به دنیا می‌آیند مرگ‌ومیر، تولد با وزن بسیار پایین و کوتاهی قد، بسیار شایع است.^{۱۴۴}

اتخاذ معیارهای دوگانه در اعمال تحریم‌ها از دیگر انتقاداتی است که به آن وارد می‌شود. برای مثال، وقتی عراق به خاطر اشغال کویت تحریم شد، برخی اظهار کردند که کشورهای دیگری مانند ترکیه، اسراییل و اندونزی، دست به اشغال و حمله‌هایی زده‌اند که منجر به تحریم نشده است. به جز مورد یوگسلاوی، تمام تحریم‌های کنونی علیه کشورهای جنوب بوده است.^{۱۴۵} واضح است که دولت‌های ثالث که خارج از چارچوب شواری امنیت، اقدام به تحریم می‌کنند بیشتر در معرض اتهام اتخاذ معیار دوگانه قرار دارند، چرا که روابط تجاری و اقتصادی دولت‌ها و

142. UNICEF, *Analyse de la Situation...*, *op. cit.*, in: *Ibid.*

143. Rohter, Larry, "Political Feuds Rack Haiti: So Much for Its High Hopes", *New York Times*, 18 October 1998, sec. A, 12.

144. Petrescu, Ioana M., "The Humanitarian Impact of Economic Sanctions", (2007), at: <<http://www.essex.ac.uk>>, p. 6.

145. Boris, Kondoch. *op. cit.*, p. 272.

همچنین موضع‌گیری‌های مشترک سیاسی آن‌ها می‌تواند به راحتی موضع آن‌ها را در برابر وضعیت حقوق بشری در داخل سرزمین دیگری بی‌تفاوت سازد.

روی هم‌رفته به نظر می‌رسد، از آنجاکه ممکن است نظام تحریم، منجر به مرگ برخی افراد، یا رنج و سختی آن‌ها شود، می‌توان آن را مخالف حق بر حیات و آزادی از شکنجه یا سایر رفتارهای غیرانسانی - مطابق تعریف اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق حقوق مدنی سیاسی دانست. تحریم کالاهایی مانند مواد غذایی یا ذخایر دارویی نیز مخالف حق برخورداری از زندگی استاندارد^{۱۴۶} است. اما مذاکرات اولیه که برای تصمیم‌گیری در خصوص تحریم صورت می‌گیرد، ندرتاً شامل نگرانی‌های حقوق بشری است و معمولاً تنها اصول حقوق بشردوستانه را مدنظر قرار می‌دهد.^{۱۴۷}

اولین مشکلی که برای حقوق بشر به‌عنوان چارچوب محدودکننده نظام تحریم‌ها به‌نظر می‌رسد، این است که ادبیات معاهدات حقوق بشری به شکلی است که در صلاحیت سرزمینی هر دولت تعریف می‌شود. باوجود تلاش برای اعمال نظام مسئولیت بر این معاهدات به‌منظور بررسی اثر آن بر دولت‌های ثالث، به‌نظر می‌رسد چنین توسعه و تعمیمی شامل زمانی که افراد، مداوماً در قلمرو دولت ثالث باشند نمی‌شود. البته میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی می‌تواند استثنا باشد چون برخلاف سایر معاهدات حقوق بشری، دربردارنده بند صلاحیتی نیست و بیان می‌کند که دولت‌های عضو، حقوق همگان را مطابق میثاق، شناسایی کرده‌اند.^{۱۴۸}

در واقع به‌هنگام وضع تحریم، به‌نظر می‌رسد که به حقوق بشر، به شکل متناقضی نگریسته می‌شود. در توضیح می‌توان گفت که در بدو امر، حقوق بشر، یا به‌عنوان محدودیتی بیش از حد می‌شود که بهتر است محدود به قلمرو داخلی دولت‌ها بماند، یا به چشم حقوقی بی‌اهمیت، که به هنگامی که صلح و امنیت جهانی در خطر است نمی‌تواند بهانه بی‌عملی باشد.^{۱۴۹}

نتیجه

حقوق بین‌الملل به دلیل فقدان نظام اجرایی، تقنینی و قضایی منسجم مشابه حقوق داخلی، همواره در معرض انتقاد بوده و این انتقادات تا جایی پیش رفته است که برخی از اطلاق عنوان حقوق بر آن خودداری کرده و حقوق بین‌الملل را نظامی متشکل از ارزش‌های اخلاقی می‌دانند که بنا به مقتضیات سیاسی و منافع قدرت‌های بزرگ، قابل چشم‌پوشی و نقض است. چنین فقدان سبب شده که در طول زمان، اجرای قانون، عمدتاً در دست خود دولت‌ها بماند. در مواردی که

۱۴۶. ماده ۲۵ اعلامیه، و مواد ۱۱ و ۱۲ میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی.

147. Matthew, Craven. *op. cit.*, p. 55.

148. *Ibid*, p. 55.

149. *Ibid*, p. 56.

سازوکارهای حل و فصل اختلاف میان دولت‌ها پیش‌بینی نشده، تشخیص اینکه قاعده‌ای نقض شده و تصمیم‌گیری در مورد برخورد با این نقض، هر دو در دست خود دولت‌هاست. *اقدامات متقابل*، یکی از ابزارهایی است که دولت‌ها در چنین مواقعی برای مقابله با دولت متخلف و الزام وی به تبعیت از قاعده و تقاضای جبران خسارت، بدان متوسل می‌شوند. با وجود انتقادات بسیاری که به پذیرش اقدامات متقابل به عنوان یکی از ابزارهای مشروع خودیاری در دست دولت‌ها وارد شده، به نظر می‌رسد که در نظام بین‌المللی کنونی، چاره‌ای جز پذیرفتن چنین مشروعیتی نیست. البته باید اذعان داشت که تدوین و قانونمند کردن *اقدامات متقابل* در قالب طرح مسئولیت، اقدام مهمی در راستای محدود کردن دامنه آن‌ها و جلوگیری از سوءاستفاده دولت‌ها از این اقدامات بوده است.

اختلاف نظر بر سر پذیرش *اقدامات متقابل*، در مواردی که نقض تعهد توسط یک دولت، به منافع دولتی خاص زیان وارد نکرده و تعهد نقض شده در زمره *تعهدات عام‌الشمول*، مانند تعهدات حقوق بشری باشد، شدیدتر است. اگرچه در مذاکرات کمیسیون حقوق بین‌الملل به دلیل حساسیت موضوع و عدم حصول توافق میان اعضا و دولت‌ها، نهایتاً تصمیم گرفته شد که امکان توسل به *اقدامات متقابل* در مورد نقض *قواعد آمره* و *تعهدات عام‌الشمول*، از شمول مواد طرح مستثنا شود، بررسی رویه دولت‌ها و همچنین دقت در دکترین نشان می‌دهد که چنین امکانی عملاً در حقوق بین‌الملل عام وجود دارد و عدم تدوین آن به معنی انتفاء چنین حقی نیست.

خلاً ضمانت اجرا برای تعهدات حقوق بشری و ضعف سازوکارهای موجود، اعم از معاهداتی یا غیرمعاهداتی در حمایت از حقوق اولیه انسان‌ها به‌ویژه در برابر دولت‌های خودشان، و سوسه یافتن ضمانت اجرایی در نظام حقوق بین‌الملل عام را برجسته‌تر می‌کند. با توجه به بررسی‌های به‌عمل‌آمده، *اقدامات متقابل* از بسیاری جهات، مؤثرتر از ضمانت اجراهای موجود برای تعهدات حقوق بشری است. این اقدامات به‌طور برابر در دست تمامی دولت‌ها، فارغ از عضویت در سازمان یا معاهده خاص قرار دارد و به لحاظ نظری، در مورد نقض آن دسته از تعهدات حقوق بشری که ماهیت عام‌الشمول پیدا کرده است یا در زمره *قواعد آمره* قرار دارد، قابل اعمال است.

اما *اقدامات متقابل*، معایب بسیاری دارد که سبب می‌شود ابزار چندان موفق و پرنفوذی برای حمایت از حقوق بشر نباشد. ویژگی اقدامات متقابل که در میان سایر اشکال خودیاری نیز مشترک است، این است که احراز تخلف، و تصمیم در مورد اقدام مقتضی، در دستان خود دولت‌هاست. از آنجاکه دولت‌ها در نقض یا رعایت حقوق بشر در چارچوب یک سرزمین و نسبت به اتباع آن، نفع مشخصی ندارند، ممکن است در اتخاذ چنین اقداماتی علیه این نقض‌ها تعلل کنند. درهم‌تنیدگی منافع سبب می‌شود که دولت‌ها در مواقعی در برابر نقض‌های فاحش حقوق بشر، چشم‌پوشند و در زمانی نیز نقض‌های کوچک‌تر را دستاویز اقدام علیه دولت متخلف قرار دهند. همچنین نابرابری عملی دولت‌ها سبب می‌شود که *اقدامات متقابل*، عملاً ابزاری در دست

دولت‌های قدرتمند باشد. نهایتاً با وجود شرایطی که کمیسیون حقوق بین‌الملل به دقت و با در نظر گرفتن جوانب امر برای توسل به اقدامات متقابل در نظر گرفته است، کماکان سوءاستفاده‌ها و نواقصی در خصوص این اقدامات مشاهده می‌شود.

علاوه بر آنچه گفته شد، در عمل دیده شده است که نقض حقوق بشر، بهانه‌ای در دست دولت‌های قدرتمند بوده که خصومت‌های پیشین خود را با دولت هدف تلافی کنند. در واقع، حقوق بشر به‌عنوان پوششی مشروع و قانونی برای تخریب و ضربه‌زدن به دولتی استفاده شده است که در حوزه‌ای دیگر، منافع دولت‌های قدرتمند را رعایت نکرده است. مثال پاناما و استفاده از حقوق بشر برای توجیه اقدامات ایالات متحده علیه دولت مستقر در این کشور، که در واقع به‌منظور تثبیت کنترل ایالات متحده بر کانال پاناما برای مقاصد نظامی و بازرگانی بود می‌تواند نمونه چنین کاربردی باشد. چنین خصلتی سبب می‌شود که در مقابل، هرچند کشوری در نقض حقوق ابتدایی اتباع خود، بی‌رحمانه عمل کند، اما تا زمانی که منافع دولت‌های بزرگ را به‌خطر نیندازد از اقدام آن‌ها علیه خود در امان باشد.

نهایتاً بررسی‌ها در مورد تحریم اقتصادی یک‌جانبه به‌عنوان رایج‌ترین شکل اقدام متقابل نشان می‌دهد که در مورد کارآمدی آن‌ها اختلاف عقیده بسیاری میان صاحب‌نظران وجود دارد و عقیده غالب، ناظر بر عدم کارآمدی این ابزار است. یکی از دلایل چنین رویکردی این است که عموماً تحریم‌ها در کنار عوامل دیگر قرار می‌گیرد و تعیین اینکه تغییر نهایی در رفتار دولت هدف، تا چه اندازه متأثر از تحریم بوده و تا چه اندازه متأثر از سایر عوامل، دشوار است. دورزدن تحریم‌ها از طریق بازار سیاه یا پیدا کردن شرکای تجاری جدید در میان دولت‌هایی که در تحریم شرکت نکرده‌اند نیز از دلایلی است که در تأیید چنین نظریه‌ای ارائه شده است. درهم‌تنیدگی منافع اقتصادی دولت‌ها نیز سبب می‌شود که هزینه این اقدامات برای خود دولت‌های تحریم‌گذار، قابل ملاحظه و بعضاً گزاف باشد. تجربه آفریقای جنوبی و عراق، شواهدی بر این مدعاست.

از طرفی، فارغ از اینکه تحریم‌ها به تغییر در رفتار دولت هدف منجر شده است یا خیر، عموماً دیده شده است که خود منجر به نقض گسترده حقوق بشر شده و بیش از همه، گروه‌ها و اقشار فقیر و آسیب‌پذیر را تحت تأثیر قرار می‌دهد. این اثرگذاری فارغ از این موضوع است که استثنائات بشردوستانه در آن لحاظ شده باشد یا برای هدف گرفتن گروه خاصی طراحی شده باشد. نهایتاً مشاهده می‌شود که زمانی که تغییر رفتار دولت هدف از اهمیت بالایی برای دولت‌های تحریم‌گذار برخوردار بوده است، اقدام آن‌ها به تحریم محدود نشده است و نهایتاً اقدام به مداخله نظامی کرده‌اند. حملات نظامی پیش از این تحت عنوان مداخله بشردوستانه صورت می‌گرفت و اخیراً برای مثال در نمونه لیبی، تلاش شده است که با دکترین مسئولیت برای حمایت توجیه شود. تجربه پاناما، هاییتی و لیبی نشانگر این است که تحریم‌های اقتصادی، تنها مقدمه‌ای برای

مداخله نظامی بوده است و تغییر در ساختار سیاسی دولت هدف، نه بر اثر تحریم، بلکه در نتیجه چنین مداخلاتی، یا دست کم تهدید به چنین مداخلاتی بوده است.

بنابراین اگرچه به نظر می‌رسد که اقدامات متقابل در شرایط کنونی، تنها ضمانت اجرایی است که بدون محدودیت معاهداتی یا موضوعی می‌تواند میزان زیادی از تعهدات حقوق بشری را تحت پوشش قرار دهد و به لحاظ نظری به شکل برابری در اختیار همه دولت‌ها قرار دارد، اما خطراتی که در استفاده از این ابزار نهفته است، واقعیات کنونی جامعه بین‌المللی، نابرابری عملی دولت‌ها و نهایتاً تجارب ناموفق استفاده از این اقدامات، مطلوبیت این ابزار را شدیداً کاهش می‌دهد. در واقع، از منظر حقوق بین‌الملل و حقوق بین‌الملل بشر، امکان توسل به اقدامات متقابل جمعی در الزام دولت‌ها به رعایت تعهدات حقوق بشری‌شان، می‌تواند ضروری تلقی شود. چنین ضرورتی را می‌توان در نیاز نظام‌های حقوقی به ضمانت اجرای مؤثر دید. اما از نقطه نظر سیاسی و اقتصادی، و همچنین از منظر تبعات حقوق بشری این اقدامات در سرزمین‌های هدف، نمی‌توان دیدگاه مثبتی به این اقدامات داشت.

با وجود این، سؤالی که پیش روی علاقه‌مندان به حقوق بشر و فعالین این حوزه قرار دارد، این است که چه راه‌حل کارآمدی می‌توان ارائه کرد که خلاً چنین ابزاری را در حقوق بین‌الملل موضوعه جبران کند؟ آیا می‌توان با تقویت اقدامات متقابل جمعی در برابر نقض‌های حقوق بشری و همچنین تلاش برای تدوین و تحدید حدود و شرایط توسل به آن، تا حدی از نقایص این اقدامات کاسته و جلو سوءاستفاده از آن را گرفت؟ یا باید به‌طور کلی توسل به چنین اقداماتی را به کناری نهاده و در جستجوی سازوکارهای قضایی اجباری برای طرح دعوا با پشتیبانی اجرایی شورای امنیت یا توسل به ابتکاری دیگر برای تضمین رعایت حقوق بشر و حمایت از آن بود؟ شاید با پاسخ به این سؤالات و انجام پژوهش‌هایی در این زمینه، بتوان گامی در راستای ارتقای حقوق بشر و حمایت از ارزش‌های مشترک جامعه بشری برداشت.

منابع:

الف) فارسی

- کتاب

- اسمیت، روناک م.؛ کتاب *درسی قواعد حقوق بین‌المللی بشر*، ترجمه: فاطمه کیهانلو، انتشارات دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ۱۳۸۸.
- تاموشات، کریستین؛ *حقوق بشر*، ترجمه: حسین شریفی طراز کوهی، میزان، ۱۳۸۶.
- فلسفی، هدایت‌الله؛ *حقوق بین‌الملل معاهدات*، چاپ دوم، نشر نو، ۱۳۸۳.
- *مسئولیت بین‌المللی دولت (متن و شرح مواد کمیسیون حقوق بین‌الملل)*، ترجمه: علیرضا ابراهیم‌گل، چاپ چهارم، شهر دانش، ۱۳۹۱.

- رساله

- ابراهیم‌گل، علیرضا؛ *تأثیر اقدامات متقابل بر اجرای مسئولیت بین‌المللی دولت با تأکید بر مسئولیت ناشی از منافع جمعی*، رساله دکتری حقوق بین‌الملل، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۸.

- وب‌گاه

- جمشید، ممتاز؛ «*تحریم اقتصادی و حقوق بین‌الملل عمومی*»، مشاهده شده در سایت: <http://beheshtnet.blogfa.com/post-290.aspx>

- مصاحبه

- ضیایی بیگدلی، رضا؛ «*ابعاد حقوقی تحریم‌ها*»، مصاحبه با روزنامه اعتماد، شماره ۲۸۰۱، ۹۲/۷/۲۱.

ب) انگلیسی

- Books and Theses

- Bernhardt (ed.), *Encyclopedia of Public International Law*, vol. 8, 1985.
- Doxey, Margaret P., *Economic Sanctions and International Enforcement*, Oxford University Press, 1971.
- Huff, William H, *The United States 1989 Military Intervention in Panama: A Just Cause?* (A Thesis in order to fulfillment of the requirements for the degree of Master of Liberal Arts, Submitted to the Graduate Faculty of the Louisiana State University and Agricultural and Mechanical College, 2002).
- Tams, C., *Enforcing Obligations Erga Omnes in International Law*, Cambridge

University Press, 2005.

- Articles

- Baek. Buhm Suk, "Economic Sanctions against Human Rights Violations", *Cornell Law Library Scholarship*, 2008.
- Bird, Annie, "Third State Responsibility for Human Rights Violations", *EJIL*, vol. 21, No. 4, 2010.
- Craven, Mathew, "Humanitarianism and the Quest for Smarter Sanctions", *EJIL*, vol. 13, No.1, 2002.
- Criddle, E.J., E. Fox-Decent, "A Fiduciary Theory of *jus cogens*", *Yale Journal of International Law*, vol. 34, 2009.
- Drenzer, Daniel W., "The Hidden Hand of Economic Coercion", *Journal of International Organization*, vol. 57, No. 3, 2003.
- Evans, Greth "From Humanitarian Intervention to the Responsibility to Protect", *Wisconsin International Law Journal*, No. 24 (3), 2006.
- Gattini. Andrea, "A Return Ticket to Communitarism Please", *EJIL*, vol. 13, No. 3, 2002.
- Gibbons, Elizabeth and Garfield, Richard, "The Impact of Economic Sanctions on Health and Human Rights in Haiti", *American Journal of Public Health*, vol. 89, No. 10, 1996.
- Harris, Patricia Roberts, Shelton. Dinah, "Are There Differentiations among Human Rights?: *jus cogens*, Core Human Rights, Obligations *erga omnes* and Non-Derogability" *Report Provided by The International Association of Constitutional Law (IACL) for UNIDEM Seminar on "The Status of International Treaties on Human Rights"*, 2005.
- Honwana, Alcinda, "Youth and the Tunisian Revolution" (2011) *SSRC*, at: <<http://webarchive.ssrc.org>>.
- Hufbauer, Gary Clyde, Schott, Jeffrey J., Muir, Julia, Cosic, Milica, "Case Studies in Economic Sanctions and Terrorism (*Australia, Canada, EU, Japan, NATO, UN, US v. Libya*)", *Peterson Institute for International Economics*, No. 1, 2001.
- Levy, Philip I., "Sanctions on South Africa: What Did They Do", *Economic Growth Center of Yale University*, 1999.
- Marinov, Nikolay, "An Elusive Statistic: Estimating the Relationship between Sanctions and Success", *UCLA International Institute*, 2005.
- Robyn, Paul, "The United States and Haiti (1993-1994): A Case Study in Coercive Diplomacy," *WWS Case Study 1/01*, available at <<http://www.wws.princeton.edu/cases/papers/haiti.html>>.
- Petrescu, Ioana M., "The Humanitarian Impact of Economic Sanctions", (2007), at: <<http://www.essex.ac.uk>>, p.6.
- Simma, Bruno, "Of Planets and the Universe: Self-contained Regimes in International Law", *EJIL*, vol. 17, No. 3, 2006.
- Walldorf, C. William Jr, "Argument, Institutional Process, and Human Rights Sanctions in Democratic Foreign Policy", *European Journal of International Relations*, vol. 16, No. 4, 2010.
- Zemanek, Karl, "New Trends in the Enforcement of *erga omnes* Obligations", *Max Planck Yearbook of United Nations Law*, No.4, 2000.

- Zenovic, Predrag, "Human Rights Enforcement via Preemptory Norms: A Challenge to State Sovereignty", *RGSL Research Papers*, No. 5, 2012.

- Documents and Press

- UN Security Council Resolution, S/RES/1973 (2011).
- UN Security Council Resolution, S/RES/253 (1968).
- US *Department of State Press Statement*, Hillary Rodham Clinton, February 21, 2011.
- Bureau of European and Eurasian Affairs, "Background Note: Poland" U.S. Department of State, 2007, available at <<http://www.state.gov/r/pa/ei/bgn/2875.htm#foreign>>.
- Human Rights Committee, General Comment 29, States of Emergency (article 4)(2001), U.N. Doc. CCPR/C/21/Rev.1/Add.11.
- *Human Rights Watch*, world report 2011 at: <<http://www.hrw.org/world-report-2011/iran>>.
- *Human Rights Watch*, Zimbabwe: Food Used as Political Weapon, 2003; and Amnesty International, *Press Release*, AFR 46/028/2004.
- *ILC Yearbook*, 2001, vol. 2, part II.
- *ILC Yearbook*, 2001, vol. 2, part II.
- International Trade Alert, "International Sanctions against Libya", February 28, 2011.
- Judicial Conditions and Rights of the Undocumented Migrants (*Advisory Opinion*) [2003], *Inter-American Court of Human Rights*.
- Liberia is not ready, a report of country conditions in Liberia and reasons the United States should not end temporary protected status for Liberians, Minnesota Advocates for Human Rights, 2007.
- Note by Secretary General, "Promotion and Protection of the Rights of Children: Impact of Armed Conflict on Children", UN Doc. A/51/306.
- *Prosecutor v. Furundzija*, [1998], *op.cit.*, para 153; *Saadi v. Italy*, [2008], Application No. 37201/06, para. 138; Report of the Commission of Inquiry on Forced Labour in Myanmar (Burma), *ILO Official Bulletin*, LXXXI (ser B)(1998).
- Report of European Union, "Human Rights and Democracy in the World: Report on EU Action", July 2008 to December 2009.
- The South West Africa (*Ethiopia v. South Africa; Liberia v. South Africa*), (Judgment), (Judge Tanaka's Dissenting Opinion), *ICJ Report*, 1966.
- Barcelona Traction Light and Power Company, Limited, Second Phase (*Judgment*), *ICJ Report* 1970.
- Rohter, Larry, "Political Feuds Rack Haiti: So Much for Its High Hopes", *New York Times*, 18 October 1998, sec. A, 12.
- Obligations and Rights *erga omnes* in International Law, *Institute of International Law Yearbook*, Krakow session, vol. 71, No. II, 2005.
- European Commission – List of restrictive measures, Restrictive measures in force (updated 6.3.2012) 1/83, at: <http://ec.europa.eu/geninfo/legal_notices_en.htm>.
- UN doc. S/PV. 4128, 17 April 2000.
- Court of Greece, (4 May 2000), *Ferrini v. Federal Republic of Germany*, Corte di Cassazione (Sezioni Unite) Judgment no. 5044 of 6 November 2003, registered 11 March 2004, (2004) 87 *Revista dirritto internazionale* 539.

- *The New York Times*, 27 May 2011.
- *Prosecutor v. Furundzija (Judgment)* [1998], case no.IT-95-17/1-T .
- *Prefecture of Voiotia v. Federal Republic of Germany*, Case No 11/2000 (Areios Pagos, Supreme Presidential Documents, *Federal Register*, 76 (85), Tuesday, May 3, 2011.
- *ILC Yearbook*, 2001 vol. 1, 2672nd Meeting.

